الکوثر

قرآن مجید

به همراه ۲۸ ترجمه و ۶ تفسیر

به زبان های زنده دنیا



آشنایی. اعراب آیات. آوانگاری قرآن

بسم الله الرحمن الرحیم

قرآن مجید - ۲۸ ترجمه - ۶ تفسیر

نویسنده:

جمعی از نویسندگان

ناشر چاپی:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۱۰۸. سوره الکوثر

مشخصات کتاب

سرشناسه:مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان،۱۳۸۸ عنوان و نام پدیدآور:قرآن مجید به همراه ۲۸ ترجمه و ۶ تفسیر/ مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان مشخصات نشر دیجیتالی:اصفهان:مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان ۱۳۸۸. مشخصات ظاهری:نرم افزار تلفن همراه و رایانه

موضوع:معارف قرآنی

سوره الکوثر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ

إِنَّا أَعْطَيْناكَ الْكَوْثَرَ (۱)

فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَ انْحَرْ (۲)

إِنَّ شانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ (۳)

آشنایی با سوره

۱۰۸- کوثر [خیر فراوان]

در اینکه منظور از کوثر، نهری است در بهشت، یا حوضی در محشر، یا ذریه و فرزندان زیاد، یا علمای امت، یا نبوت و قرآن، یا علم و حکمت یا ... نظریه های گوناگونی وجود دارد. منظور هر کدام باشد، این خیر کثیر را خداوند به پیامبر اعطا کرده است (آیه ۱) این سوره یک سطری که ۳ آیه دارد و از اعجازهای قرآن است در جواب عیبجوئی های مشرکین نازل شده که بخاطر نداشتن فرزند پسر، پیامبر را مقطوع النسل و «ابتر» می گفتند. بعد از «عصر» یا «عادیات در مکه نازل شده است. سال اول بعثت. بعضی هم گفته اند که در «صلح حدیبیه نازل شده است

شان نزول

فاطمه و خیرکثیر

شأن نزول آیه های ۱ تا ۳ سوره کوثر

فرزند پسر در میان قبایل جاهلیت، ادامه نسل محسوب می شد. به همین دلیل، کسانی که پسر نداشتند، «ابتر» نامیده می شدند؛ چون نسل آنان ادامه پیدا نمی کرد و بی نام و نشان می ماندند. همانند حکومت های سلطنتی که پادشاه بدون پسر، خاندان

سلطنتی را نومید و نگران می سازد. برای پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نیز پسری باقی نمانده بود و پسران ایشان از جمله قاسم، طاهر، طیب و ابراهیم در همان سن کودکی به آسمان پر کشیدند و همه را داغ دار کردند.

«عاص بن وائل»، از سران قریش و از حیله گران عرب، در مسجدالحرام با پیامبر دیدار کرد. وی هم چون همیشه موضوع بت ها را به میان کشید و پیامبر را از بدگویی به بت ها برحذر داشت و دیگر مطالبی که بوی تهدید از آن می آمد. پیامبر نیز از فرصت استفاده کرد و با دلیل و منطق به او پاسخ داد،

ولی عاص این پاسخ را برنتابید و با عصبانیت پیامبر را ترک گفت. هنگام خروج از مسجدالحرام، بعضی از سران قریش را دید که منتظرش بودند. به او گفتند: دیر کردی؛ با چه کسی صحبت می کردی؟ عاص با عصبانیت گفت: با همین ابتر (دم بریده) سخن می گفتم. آیه های ۱ تا ۳ سوره کوثر نازل شد و به پیامبر دلداری داد. دشمنان پیامبر در دشمنی خود کم ترین ادب را رعایت نمی کردند؛ یعنی قساوتشان آمیخته با پستی بود و این نشان می دهد که قریش مرگ پیامبر و بر چیده شدن بساط اسلام را انتظار می کشیدند؛ چرا که می گفتند او «بلا عقب» است. قرآن می گوید: تو بلا عقب نیستی. دشمنان تو این گونه اند و این پیش گویی قرآن نیز تحقق یافت و دشمنان او تار و مار شدند چنان که امروز اثری از آنان باقی نمانده است. طایفه هایی هم چون «بنی امیه» و «بنی عباس» که به مقابله با پیغمبر و فرزندان او برخاستند، روزی آن قدر جمعیت داشتند که قابل شمارش نبودند، ولی امروز اگر هم کسی از آنان باقی مانده باشد، هرگز شناخته شده نیست، در حالی که از فاطمه زهرا علیهاالسلام که همان کوثر (خیر کثیر) است، نسل و ذریه پیامبردر جهان انتشار یافت. از آن زمان، نه تنها امامان معصوم، بلکه هزاران هزار از فرزندان فاطمه زهرا در سراسر جهان پخش شدند که در میان آنان علمای بزرگ و نویسندگان و فقها و محدثان و مفسران والا مقام دیده می شوند که با ایثار و فداکاری در حفظ آیین اسلام کوشیدند. آیه های ۱ تا ۳ سوره کوثر این حقیقت را بیان می کند:

ما تو را [چشمه] کوثر دادیم؛ «» پس

برای پروردگارت نمازگزار و قربانی کن » دشمنت خود بی تبار خواهد بود. « (۱)

پاورقی:

(۱) مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۵۴۹.

فاطمه و خیرکثیر

شأن نزول آیه های ۱ تا ۳ سوره کوثر

فرزند پسر در میان قبایل جاهلیت، ادامه نسل محسوب می شد. به همین دلیل، کسانی که پسر نداشتند، «ابتر» نامیده می شدند؛ چون نسل آنان ادامه پیدا نمی کرد و بی نام و نشان می ماندند. همانند حکومت های سلطنتی که پادشاه بدون پسر، خاندان سلطنتی را نومید و نگران می سازد. برای پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نیز پسری باقی نمانده بود و پسران ایشان از جمله قاسم، طاهر، طیب و ابراهیم در همان سن کودکی به آسمان پر کشیدند و همه را داغ دار کردند.

«عاص بن وائل»، از سران قریش و از حیله گران عرب، در مسجدالحرام با پیامبر دیدار کرد. وی هم چون همیشه موضوع بت ها را به میان کشید و پیامبر را از بدگویی به بت ها برحذر داشت و دیگر مطالبی که بوی تهدید از آن می آمد. پیامبر نیز از فرصت استفاده کرد و با دلیل و منطق به او پاسخ داد، ولی عاص این پاسخ را برنتابید و با عصبانیت پیامبر را ترک گفت. هنگام خروج از مسجدالحرام، بعضی از سران قریش را دید که منتظرش بودند. به او گفتند: دیر کردی؛ با چه کسی صحبت می کردی؟ عاص با عصبانیت گفت: با همین ابتر (دم بریده) سخن می گفتم. آیه های ۱ تا ۳ سوره کوثر نازل شد و به پیامبر دلداری داد. دشمنان پیامبر در دشمنی خود کم ترین ادب را رعایت نمی کردند؛ یعنی قساوتشان آمیخته با پستی بود و این نشان می دهد که قریش مرگ پیامبر و بر چیده شدن بساط اسلام را

انتظار می کشیدند؛ چرا که می گفتند او «بلا عقب» است. قرآن می گوید: تو بلا عقب نیستی. دشمنان تو این گونه اند و این پیش گویی قرآن نیز تحقق یافت و دشمنان او تار و مار شدند چنان که امروز اثری از آنان باقی نمانده است. طایفه هایی هم چون «بنی امیه» و «بنی عباس» که به مقابله با پیغمبر و فرزندان او برخاستند، روزی آن قدر جمعیت داشتند که قابل شمارش نبودند، ولی امروز اگر هم کسی از آنان باقی مانده باشد، هرگز شناخته شده نیست، در حالی که از فاطمه زهرا علیهاالسلام که همان کوثر (خیر کثیر) است، نسل و ذریه پیامبردر جهان انتشار یافت. از آن زمان، نه تنها امامان معصوم، بلکه هزاران هزار از فرزندان فاطمه زهرا در سراسر جهان پخش شدند که در میان آنان علمای بزرگ و نویسندگان و فقها و محدثان و مفسران والا مقام دیده می شوند که با ایثار و فداکاری در حفظ آیین اسلام کوشیدند. آیه های ۱ تا ۳ سوره کوثر این حقیقت را بیان می کند:

ما تو را [چشمه] کوثر دادیم؛ «» پس برای پروردگارت نمازگزار و قربانی کن «» دشمنت خود بی تبار خواهد بود. «» (۱)

پاورقی:

(۱) مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۵۴۹.

فاطمه و خیرکثیر

شأن نزول آیه های ۱ تا ۳ سوره کوثر

فرزند پسر در میان قبایل جاهلیت، ادامه نسل محسوب می شد. به همین دلیل، کسانی که پسر نداشتند، «ابتر» نامیده می شدند؛ چون نسل آنان ادامه پیدا نمی کرد و بی نام و نشان می ماندند. همانند حکومت های سلطنتی که پادشاه بدون پسر، خاندان سلطنتی را نومید و نگران می سازد. برای پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نیز پسری باقی نمانده بود و پسران ایشان از جمله قاسم، طاهر، طیب و

ابراهیم در همان سن کودکی به آسمان پر کشیدند و همه را داغ دار کردند.

«عاص بن وائل»، از سران قریش و از حیله گران عرب، در مسجدالحرام با پیامبر دیدار کرد. وی هم چون همیشه موضوع بت ها را به میان کشید و پیامبر را از بدگویی به بت ها برحذر داشت و دیگر مطالبی که بوی تهدید از آن می آمد. پیامبر نیز از فرصت استفاده کرد و با دلیل و منطق به او پاسخ داد، ولی عاص این پاسخ را برنتابید و با عصبانیت پیامبر را ترک گفت. هنگام خروج از مسجدالحرام، بعضی از سران قریش را دید که منتظرش بودند. به او گفتند: دیر کردی؛ با چه کسی صحبت می کردی؟ عاص با عصبانیت گفت: با همین ابتر (دم بریده) سخن می گفتم. آیه های ۱ تا ۳ سوره کوثر نازل شد و به پیامبر دلداری داد. دشمنان پیامبر در دشمنی خود کم ترین ادب را رعایت نمی کردند؛ یعنی قساوتشان آمیخته با پستی بود و این نشان می دهد که قریش مرگ پیامبر و بر چیده شدن بساط اسلام را انتظار می کشیدند؛ چرا که می گفتند او «بلا عقب» است. قرآن می گوید: تو بلا- عقب نیستی. دشمنان تو این گونه اند و این پیش گویی قرآن نیز تحقق یافت و دشمنان او تار و مار شدند چنان که امروز اثری از آنان باقی نمانده است. طایفه هایی هم چون «بنی امیه» و «بنی عباس» که به مقابله با پیغمبر و فرزندان او برخاستند، روزی آن قدر جمعیت داشتند که قابل شمارش نبودند، ولی امروز اگر هم کسی از آنان باقی مانده باشد، هرگز شناخته شده نیست، در حالی که از فاطمه زهرا علیهاالسلام که همان کوثر (خیر

کثیر) است، نسـل و ذریه پیـامبردر جهـان انتشـار یافت. از آن زمان، نه تنها امامان معصوم، بلکه هزاران هزار از فرزنـدان فاطمه زهرا در سراسر جهان پخش شدند که در میان آنان علمای بزرگ و نویسندگان و فقها و محدثان و مفسران والا مقام دیده می شوند که با ایثار و فداکاری در حفظ آیین اسلام کوشیدند. آیه های ۱ تا ۳ سوره کوثر این حقیقت را بیان می کند:

ما تو را [چشمه] کوثر دادیم؛ « پس برای پروردگارت نمازگزار و قربانی کن « دشمنت خود بی تبار خواهد بود. « (۱)

پاورقی:

(۱) مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۵۴۹.

اعراب آیات

{بِسْمِ} حرف جر و اسم بعـد از آن مجرور {اللَّهِ} مضاف الیه، مجرور یا در محل جر / فعل مقـدّر یا محذوف / فاعل محذوف {الرَّحْمنِ} نعت تابع {الرَّحِیمِ} نعت تابع

{إِنَّا} حرف مشـبه بالفعـل یـا حرف نفی ناسـخ / (نـا) ضـمیر متصـل در محل نصب، اسم إنّ {أَعْطَیْناکَ} فعل ماضـی، مبنی بر سکون / (نـا) ضـمیر متصـل در محـل رفع و فاعل / (ک) ضـمیر متصل در محل نصب، مفعولٌ به / خبر إنَّ محـذوف {الْکَوْثَرَ} مفعولٌ به، منصوب یا در محل نصب

{فَصَلِّ} (ف) رابط جواب برای شـرط / فعل امر، مبنی بر حذف حرف عله (ی) / فاعل، ضمیر مستتر (أنت) در تقدیر {لِرَبِّکَ} حرف جر و اسم بعـد از آن مجرور / (ک) ضـمیر متصل در محل جر، مضاف الیه {وَانْحَرْ} (و) حرف عطف / فعل امر مبنی بر سکون / فاعل، ضمیر مستتر (أنت) در تقدیر

{إِنَّ} حرف مشـبه بالفعل یا حرف نفی ناسخ {شانِئَکَ} اسم إنّ، منصوب یا در محل نصب / (ک) ضـمیر متصل در محل جر، مضاف

الیه {هُوَ} ضمیر فصل بدون محل {الْأَبْتَرُ} خبر إنَّ، مرفوع یا در محل رفع

آوانگاری قرآن

.Bismi Allahi alrrahmani alrraheemi

Inna aAAtaynaka alkawthara.۱

Fasalli lirabbika wainhar.۲

Inna shani-aka huwa al-abtaru.۳

ترجمه سوره

ترجمه فارسی استاد فولادوند

به نام خداوند رحمتگر مهربان

ما تو را [چشمه کوثر دادیم، (۱)

پس برای پروردگارت نماز گزار و قربانی کن. (۲)

دشمنت خود بی تبار خواهد بود. (۳)

ترجمه فارسی آیت الله مکارم شیرازی

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر.

«۱» ما به تو کوثر (= خیر و برکت فراوان) عطا کردیم!

«۲» پس برای پروردگارت نماز بخوان و قربانی کن!

«۳» [و بدان] دشمن تو قطعاً بریده نسل و بی عقب است!

ترجمه فارسی حجت الاسلام والمسلمین انصاریان

به نام خدا که رحمتش بی اندازه است و مهربانی اش همیشگی.

بی تردید ما به تو خیر فراوان [که برکت در نسل است و از فاطمه ریشه می گیرد] عطا کردیم. (۱)

پس [به شکرانه آن] برای پروردگارت نماز بخوان و شتر قربانی کن. (۲)

یقیناً دشمن [که به] تو [زخم زبان می زند] خود بدون تبار و نسل [و بریده از همه خیرات و برکات] است. (۳)

ترجمه فارسی استاد الهی قمشه ای

بنام خداوند بخشنده مهربان

ای رسول گرامی ما تو را کوثر عطای بسیار بخشیدیم به تو مقام سید انبیاء نام نیکو و کثرت فرزند و نهر کوثر و مقام رحم للعالمینی و شفاعت کبرای امت و شرح صدر و همت عالی از لطف خود تو را عطا کردیم (۱)

پس تو هم بشکرانه آن نعم برای خدا بنماز و طاعت و قربانی و مناسک حج بپرداز (۲)

که محققا دشمن بدگوی تو عاص بن وائل مقطوع النسل و نسل تو تا قیامت بکثرت و برکت و عزت باقی است (۳)

ترجمه فارسی حجت الاسلام والمسلمین قرائتی

به نام خداوند بخشنده ی مهربان.

همانا ما به تو خیر کثیر عطا کردیم. (۱)

پس برای پروردگارت نماز بگزار و (شتر) قربانی کن. (۲)

همانا دشمن تو بی نسل و دم بریده است. (۳)

ترجمه فارسی استاد مجتبوی

به نام خدای بخشاینده مهربان

همانا تو را کوثر - خیر بسیار - دادیم. (۱)

پس برای پروردگارت نماز بگزار و شتر قربانی کن. (۲)

همانا دشمن تو، همو دنبال بریده - بی نسل و بی دنباله - است. (۳)

ترجمه فارسی استاد آیتی

به نام خدای بخشاینده مهربان

ما کوثر را به تو عطا کردیم. (۱)

پس برای پروردگارت نماز بخوان و قربانی کن (۲)

که بدخواه تو خود ابتر است. (۳)

ترجمه فارسی استاد خرمشاهی

به نام خداوند بخشنده مهربان

ما به تو کوثر بخشیده ایم (۱)

پس برای پروردگارت نماز بگزار و قربانی کن (۲)

بی گمان دشمن تو بی سرانجام [و بلاعقب] است (۳)

ترجمه فارسی استاد معزی

بنام خداوند بخشاینده مهربان

همانا ارزانی داشتیمت کوثر (۱)

پس نمازگزار برای پروردگار خویش و قربان کن (یا سجود و رکوع کن) (۲)

همانا بدخواه تو است دنباله بریده (۳)

ترجمه انگلیسی قرائی

In the Name of Allah, the All-beneficent, the All-merciful.

۱ Indeed We have given you abundance.

۲ So pray to your Lord, and sacrifice [the sacrificial camel].

۳ Indeed it is your enemy who is without posterity.

ترجمه انگلیسی شاکر

(۱) Surely We have given you Kausar,

(۲) Therefore pray to your Lord and make a sacrifice.

(Surely your enemy is the one who shall be without posterity, (۳

ترجمه انگلیسی ایروینگ

!In the name of God, the Mercy-giving, the Merciful

, We have given you plenty (۱)

So pray to your Lord and sacrifice (۲)

.since your opponent is the one who will be lopped off (۳)

ترجمه انگلیسی آربری

In the Name of God, the Merciful, the Compassionate

(Surely We have given thee abundance; (۱

(so pray unto thy Lord and sacrifice. (۲

(Surely he that hates thee, he is the one cut off. (۳

ترجمه انگلیسی پیکتال

.In the name of Allah, the Beneficent, the Merciful

(Lo! We have given thee Abundance; (۱

(So pray unto they Lord, and sacrifice. (۲

(Lo! It is thy insulter (and not thou) who is without posterity. (۳

ترجمه انگلیسی یوسفعلی

.In the name of Allah Most Gracious Most Merciful

(To thee have We granted the Fount (Of Abundance). (۱

(Therefore to thy Lord turn in Prayer and Sacrifice. (۲

۳) (For he who hateth thee he will be cut off (from Future Hope).

ترجمه فرانسوی

Au nom d'Allah, le Tout Miséricordieux, le Très Miséricordieux.

۱. Nous t'avons certes, accordé l'Abondance.

۲. Accomplis la Salat pour ton Seigneur et sacrifie.

۳. Celui qui te hait sera certes, sans postérité.

ترجمه اسپانیایی

۱. Te hemos dado la abundancia.

۲. Ora, pues, a tu Señor y ofrece sacrificios.

۳. Sí, es quien te odia el privado de posteridad.

ترجمه آلمانی

Im Namen Allahs, des Gnۣdigen, des Barmherzigen.

۱. Wahrlich, Wir haben dir Fülle des Guten gegeben;

۲. So bete zu deinem Herrn und opfere.

۳. Fürwahr, es ist dein Feind, der ohne Nachkommenschaft sein soll.

ترجمه ایتالیایی

In nome di Allah, il Compassionevole, il Misericordioso

۱. In verità ti abbiamo dato l'abbondanza.

۲. Esegui l'orazione per il tuo Signore e sacrifica!

۳. In verità sarà colui che ti odia a non avere seguito.

ترجمه روسی

Во имя Аллаха Милостивого, Милосердного!

۱. Поистине, Мы даровали тебе обильный!

۲. Помолись же Господу твоему и заколи!

۳. Ведь ненавистник твой - он куцый.

ترجمه ترکی استانبولی

Rahman ve rahîm Allah adiyle.

۱- قüphe yok ki biziz sana kevseri veren.

۲- Artk namaz kl Rabbine ve kurban kes sen.

۳- قüphesiz, sana buًźeden yok mu, odur nesli kesilen.

ترجمه آذربایجانی

Mərhəmətli, rəhmli Allahın adı ilə!

۱. (Ya Peyğəmbər!) Həqiqətən, Biz sənə Kövsər (Cənnətdəki Kövsər irmağını və ya bol ne'mət, yaxud Qur'an, peyğəmbərlik) bəxş etdik!

۲. Ona görə də (bu ne'mətlərə şükür edərək) Rəbbin üçün namaz qıl və qurban kəs!

۳. (Ya Peyğəmbər! Oğlun Qasim, yaxud İbrahim vəfat etdiyi zaman sənə sonsuz, arxası kəsik, nəsli kəsilmiş deyən) sənin düşməninin (As ibn Vailin) özü sonsuzdur! (Sənin nəslin qiyamətə qədər törəyib artacaq, adına isə həmişə rəhmət oxunacaqdır!)

ترجمه اردو

شروع خدا کا نام لے کر جو بڑا مہربان نہایت رحم والا ہے

۱. (اے محمد) ہم نے تم کو کوثر عطا فرمائی ہے

٢. تو اپن□ پروردگار ک□ لی□ نماز پ□□ا کرو اور قربانی دیا کرو

٣. کچ□ شک ن□ی□ ک□ تم□ارا دشمن □ی بیاولاد ر□□ گا

ترجمه پشتو

١. شروع کوم د الله په نامه چ□ □□ر زیات مهربانه او پوره رحم لرونک□ د□. ب□شکه مون□ تا ته □□ر خ□ر (بی بی فاطمه زهرا(س)) درک□.

٢. نو د خپل رب لپاره لمون□ وکه او قرباني وکه

٣. ب□شکه چ□ ستا د□من له هر خ□ره پر□ د□ (ب□ اولاده د□)

ترجمه کردی

١. Bi navê Yezdanê Dilovan ê Dilovîn (Muhemmed!) Bi rastî me ji bona te ra (bostanne) ku ava wan hilwejokin daye.

٢. Îdî tu ji bona Xuda yê xwe ra nimej bike û (ji bona qayîlbûna wî) goryan jêbike.

٣. Birastî hey dexesê te bi xweberin poçik birne bêdûmdan in.

ترجمه اندونزی

Dengan menyebut nama Allah Yang Maha Pemurah

(١) lagi Maha Penyayang.

(٢) Katakanlah:" Hai orang- orang yang kafir.(١)

(٣) Aku tidak akan menyembah apa yang kamu sembah.(٢)

ترجمه مالیزیایی

Dengan nama Allah, Yang Maha Pemurah, lagi Maha Mengasihani

(١) Sesungguhnya Kami telah mengurniakan kepadamu (wahai Muhammad) kebaikan yang banyak (di dunia dan di akhirat).

Oleh itu, kerjakanlah sembahyang kerana Tuhanmu semata-mata, dan sembelihlah (korban (sebagai bersyukur). (۲

Sesungguhnya orang yang bencikan engkau, Dia lah yang terputus (dari mendapat (sebarang perkara yang diingininya). (۳

ترجمه سواحیلی

Kwajina la Mwenyeezi Mungu, Mwingi wa rehema, Mwenye kurehemu

.Hakika sisi tumekupa kheri nyingi .۱

.(Basi swali kwa ajili ya Mola wako, na uchinje (kwa ajili ya Mola wako .۲

.Hakika adui yako atakuwa mkiwa .۳

تفسیر سوره

تفسیر المیزان

صفحه ی ۶۳۷

(۱۰۸) سوره کوثر مکی است و سه آیه دارد (۳)

[سوره الکوثر (۱۰۸): آیات ۱ تا ۳] ترجمه آیات به نام اللّه که به نیک و بد بخشنده، و به نیکان مهربان است.

محققا ما به تو خیر کثیر (فاطمه (ع)) دادیم (۱).

پس به شکرانه اش برای پروردگارت نماز بخوان و قربانی کن (۲).

و بدان که محققا شماتت گوی و دشمن تو ابتر و بلا عقب است (۳).

بیان آیات در این سوره منتی بر رسول خدا (ص) نهاده به اینکه به آن جناب کوثر داده، و این بدان منظور است که آن جناب را دلخوش سازد و بفهماند که آن کس که به وی زخم زبان می زند که اولاد ذکور ندارد و اجاق کور است، خودش اجاق کور است، و این سوره کوتاه ترین سوره قرآن است، و روایات در اینکه آیا این سوره در مکه نازل شده و یا در مدینه مختلف است، و ظاهرش این است که در مکه نازل شده باشد.

و بعضی «۱» از مفسرین به منظور جمع بین دو دسته روایات گفته اند: ممکن است دو

(۱) روح المعـــــــــــانی ، ج ۳۰، ص ۲۴۴.

نوبت نازل شده باشد یکی در مکه و بار دیگر در مدینه.

" إِنَّا أَعْطَيْناكَ الْكَوْثَرَ" در مجمع البیان می گوید: کلمه" کوثر" بر وزن" فوعل" به معنای چیزی است که شانش آن است که کثیر باشد، و کوثر به معنای خیر کثیر است «۱».

[اقوال مختلف در باره

مراد از" کوثر" و بیان شواهد دال بر اینکه مراد از آن ذریه پیامبر (صلّی الله علیه وآله وسلّم) یعنی فرزندان فاطمه (علیها السلام) است

ولی مفسرین در تفسیر کوثر و اینکه کوثر چیست اختلافی عجیب کرده اند: بعضی «۲» گفته اند: خیر کثیر است. و بعضی معانی دیگری کرده اند که فهرست وار از نظر خواننده می گذرد:

۱- نهری است در بهشت. ۲- حوض خاص رسول خدا (ص) در بهشت و یا در محشر است. ۳- اولاد رسول خدا (ص) است. ۴- اصحاب و پیروان آن جناب تا روز قیامت است. ۵- علمای امت او است. ۶- قرآن و فضائل بسیار آن.

۷- مقام نبوت است. ۸- تیسیر قرآن و تخفیف شرایع و احکام است. ۹- اسلام است. ۱۰- توحید است. ۱۱- علم و حکمت است. ۱۲- فضائل رسول خدا (ص) است.

۱۳- مقام محمود است. ۱۴- نور قلب شریف رسول خدا (ص) است «۳». و از این قبیل اقوالی دیگر که به طوری که از بعضی «۴» از مفسرین نقل شده بالغ بر بیست و شش قول است.

صاحبان دو قول اول استدلال کرده اند به بعضی روایات، و اما باقی اقوال هیچ دلیلی ندارند به جز تحکم و بی دلیل حرف زدن، و به هر حال اینکه در آخر سوره فرمود:" إِنَّ شانِئَکَ هُوَ الْأَبْتَرُ" با در نظر گرفتن اینکه کلمه" ابتر" در ظاهر به معنای اجاق کور است، و نیز با در نظر گرفتن اینکه جمله مذکور از باب قصر قلب است، چنین به دست می آید که منظور از کوثر، تنها و تنها کثرت ذریه ای است که خدای تعالی به آن جناب ارزانی داشته، (و برکتی است که در نسل

آن جناب قرار داده)، و یا مراد هم خیر کثیر است و هم کثرت ذریه، چیزی که هست کثرت ذریه یکی از مصادیق خیر کثیر است، و اگر مراد مساله ذریه به استقلال و یا به طور ضمنی نبود، آوردن کلمه" ان" در جمله" إِنَّ شانِئَکَ هُوَ الْأَبْتَرُ" فایده ای نداشت، زیرا کلمه" ان" علاوه بر تحقیق، تعلیل را هم می رساند و معنا ندارد بفرماید ما به تو حوض دادیم، چون که بدگوی تو اجاق کور است و یا بی خبر است.

---

(۱) مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۵۴۸.

(۲) روح المعانی، ج ۳۰، ص ۲۴۵.

(۳ و ۴) روح المعانی، ج ۳۰، ص ۲۴۴ و ۲۴۵.

و روایات هم بسیار زیاد رسیده که سوره مورد بحث در پاسخ کسی نازل شده که رسول خدا (ص) را به اجاق کوری زخم زبان زد و این زخم زبان هنگامی بود که قاسم و عبد اللَّه دو فرزندان رسول خدا (ص) از دنیا رفتند، پس با این بیان روشن شد که سخن آن مفسر که گفته:" منظور صاحب این زخم زبان از کلمه" ابتر" بریدگی از مردم یا انقطاع از خیر بوده و خدای تعالی در رد گفتارش فرموده او خودش منقطع از هر چیز است" سخن بی وجهی است.

و چون جمله" إِنَّا أَعْطَیْناکَ ..." در مقام منت نهادن بود، با سیاق متکلم مع الغیر (ما) آمد که بر عظمت دلالت می کند، و چون منظور از آن خوشدل ساختن رسول خدا (ص) بود مطلب را با واژه اعطاء که ظاهر در تملیک است بیان داشت و فرمود:

ما به تو کوثر عطا کردیم.

و این جمله از این دلالت خالی نیست

که فرزندان فاطمه (ع) ذریه رسول خدا (ص) هستند، و این خود یکی از خبرهای غیبی قرآن کریم است، چون همانطور که می بینیم خدای تعالی بعد از درگذشت آن حضرت برکتی در نسل آن جناب قرار داد، به طوری که در همه عالم هیچ نسلی معادل آن دیده نمی شود، آن هم با آن همه بلاها که بر سر ذریه آن جناب آوردند و گروه گروه از ایشان را کشتند.

[مراد از امر به صلاه و نحر بعد از منت گذاردن به اعطاء کوثر]

" فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَ انْحَرْ" از ظاهر سیاق و ظاهر اینکه حرف" فاء" بر سر این جمله در آمده، استفاده می شود که امر به نماز و نحر شتر، که متفرع بر جمله" إِنَّا أَعْطَيْناكَ الْكَوْثَرَ" شده، از باب شکر نعمت است، و چنین معنا می دهد، حال که ما بر تو منت نهادیم و خیر کثیرت دادیم این نعمت بزرگ را با نماز و نحر شکرگزاری کن.

و مراد از" نحر" بنا بر روایاتی که از طرق شیعه و سنی از رسول خدا (ص) و از علی (ع) رسیده، و نیز روایاتی که شیعه از امام صادق و سایر ائمه اهل بیت (ع) روایت کرده، دست بلند کردن به طرف گردن در هنگام تکبیر گفتن برای نماز است «۱».

ولی بعضی «۲» گفته اند: معنایش این است که نماز عید قربان بخوان، و شتر هم قربانی ______________

(۱) تفسیر برهان، ج ۴، ص ۵۱۴ و الدر المنثور، ج ۶، ص ۴۰۳.

(۲) الدر المنثور، ج ۶، ص ۴۰۳.

کن، (چون کلمه نحر به معنای سر بریدن شتر به آن نحو خاص است، هم چنان که کلمه" ذبح" به

معنای سر بریدن سایر حیوانات است).

بعضی «۱» دیگر گفته اند: معنایش این است که برای پروردگارت نماز بخوان، و وقتی سر از رکوع بر می داری به طور کامل بایست.

بعضی «۲» دیگر معانی دیگری هم ذکر کرده اند.

" إِنَّ شانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ" کلمه:" شانئ" به معنای دشمن خشمگین، و کلمه" أبتر" به معنای اجاق کور است، و این کسی که چنین زخم زبانی به آن جناب زده بود عاصی بن وائل بوده.

بعضی گفته اند: مراد از ابتر منقطع از خیر، و یا منقطع از قوم خویش است، که خواننده توجه فرمود این قول با روایات شان نزول نمی سازد.

بحث روایتی [روایاتی در باره اینکه مراد از" نحر" در" فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَ انْحَرْ" بلند کردن دست ها در موقع اداء تکبیر نماز است

در الدر المنثور است که بخاری ابن جریر و حاکم از طریق ابی بشر از سعید بن جبیر از ابن عباس روایت کرده اند که گفت: کوثر آن خیری است که خدای تعالی به رسول خدا (ص) داد. ابو بشر می گوید: به سعید بن جبیر گفتم جمعی از مردم معتقدند که کوثر نام نهری در بهشت است. سعید گفت نهری هم که در بهشت است یکی از خیرهایی است که خدای تعالی به آن جناب ارزانی داشته «۳».

و در همان کتاب آمده که ابن ابی حاتم، حاکم، ابن مردویه، و بیهقی در کتاب سنن خود، از علی بن ابی طالب روایت کرده اند که فرموده وقتی این سوره بر رسول خدا (ص) نازل شد، از جبرئیل پرسید: این" نحیره" که خدای عز و جل مرا بدان مامور فرموده چیست؟ گفت: منظور نحیره نیست، بلکه خدای تعالی مامورت کرده وقتی می خواهی احرام

نماز ببندی دستهایت را بلند کنی، هم در تکبیره الاحرام و هم در هنگام رکوع رفتن و هم در موقع سر از رکوع برداشتن، که این نماز ما و نماز فرشتگانی است که در هفت آسمان هستند، و برای هر چیزی زینتی است، و زینت نماز دست بلند کردن در هر تکبیر است.

(۱ و ۲) الدر المنثور، ج ۶، ص ۴۰۳.

(۳) الدر المنثور، ج ۶، ص ۴۰۲.

و رسول خدا (ص) فرمود: دست بلند کردن یکی از مظاهر استکانت و التماس است که خدای تعالی (در مذمت کفار) فرموده: " فَمَا اسْتَكانُوا لِرَبِّهِمْ وَ ما يَتَضَرَّعُونَ- برای پروردگار خود نه استکانت دارند و نه تضرع و زاری " «۱».

مؤلف: این روایت را صاحب مجمع البیان از مقاتل از اصبغ بن نباته از آن جناب نقل کرده، سپس گفته ثعلبی و واحدی این روایت را در تفسیرهای خود آورده اند. و نیز گفته همه عترت طاهره از آن جناب نقل کرده اند، که معنای نحر بلند نمودن دو دست تا محاذی گودی زیر گلو در هنگام نماز است «۲».

و نیز در الدر المنثور است که ابن جریر از ابی جعفر روایت کرده که در ذیل آیه " فَصَلِّ لِرَبِّكَ " گفته است: یعنی نماز بخوان، و در معنای کلمه " وَ انْحَرْ " گفته: یعنی دستها را در آغاز نماز و هنگام گفتن تکبیر افتتاح، بلند کن «۳».

و نیز در همان کتاب است که ابن مردویه از ابن عباس روایت کرده که در تفسیر آیه " فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَ انْحَرْ " گفته: خدای تعالی به رسول گرامیش وحی فرستاد که وقتی تکبیر اول نماز را می گویی دستها را تا برابر نحرت- گودی زیر گلویت-

بلند کن، این است معنای نحر «۴».

و در مجمع البیان در ذیل آیه از عمر بن یزید روایت کرده که گفت: من از امام صادق (ع) شنیدم که در تفسیر آیه "فَصَلِّ لِرَبِّکَ وَ انْحَرْ" می فرمود: این نحر عبارت است از بلند کردن دستهایت تا برابر صورت «۵».

مؤلف: آن گاه می گوید: عبد اللَّه بن سنان هم مثل این حدیث را از آن جناب نقل کرده، و نیز قریب به آن را جمیل از آن جناب روایت کرده است «۶».

[روایاتی راجع به زخم زبان زدن به پیامبر (صلّی الله علیه وآله وسلّم) در مورد نداشتن اولاد ذکور، کسی که زخم زبان زد، و نزول سوره کوثر]

و در الدر المنثور است که ابن سعد و ابن عساکر از طریق کلبی از ابی صالح از ابن عباس روایت کرده اند که گفت: بزرگترین فرزند رسول خدا (ص) قاسم، سپس زینب، و آن گاه عبد اللَّه، و پس از او ام کلثوم، و آن گاه فاطمه و در آخر رقیه بود، قاسم از دنیا رفت و اولین کس از فرزندان آن جناب بود که در مکه از دنیا رفت، و بعد از او عبد اللَّه از دنیا رفت، و عاصی بن وائل سهمی گفت: نسل او قطع شد، پس او أبتر و بی عقب است، در

---

(۱) الدر المنثور، ج ۶، ص ۴۰۳.

(۲) مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۵۵۰.

(۳ و ۴) الدر المنثور، ج ۶، ص ۴۰۳.

(۵ و ۶) مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۵۵۰.

پاسخش خدای تعالی این آیه را فرستاد که خود عاصی بن وائل ابتر و بدون عقب است «۱».

و در همان کتاب است که زبیر

بن بکار و ابن عساکر، از جعفر بن محمد از پدرش روایت کرده اند که فرمود: قاسم پسر رسول خدا (ص) در مکه از دنیا رفت و بعد از دفن جنازه آن جناب رسول خدا (ص) به عاصی بن وائل و پسرش عمرو برخورد، عاصی وقتی رسول خدا (ص) را از دور دید گفت:

الآن زخم زبانی به او می زنم، همین که آن جناب نزدیک شد، گفت: چه خوب شد که اجاقش کور شد، در پاسخ او این آیه نازل شد:" إِنَّ شانِئَکَ هُوَ الْأَبْتَرُ " «۲».

و نیز در همان کتاب است که ابن ابی حاتم از سدی روایت کرده که گفت: قریش را رسم چنین بود که وقتی فرزند ذکور کسی می مرد می گفتند:" بتر فلان"، و چون فرزند رسول خدا (ص) از دنیا رفت عاصی بن وائل گفت" بتر" یعنی فرزند ذکورش مرد، و این فرد (رسول خدا ص) از همه بیشتر بتر شد، (چون هیچ فرزند ذکور برایش نماند) «۳».

مؤلف: و در بعضی «۴» از تواریخ آمده که شماتت کننده ولید بن مغیره بوده. و در بعضی «۵» دیگر آمده که ابو جهل بوده. و در بعضی «۶» دیگر آمده که عقبه بن ابی معیط بوده. و در بعضی «۷» آمده که کعب بن اشرف بوده، ولی معتبر همان است که می گفت عاصی بن وائل بوده است.

مؤید آن، روایتی است که مرحوم طبرسی آن را در احتجاج از حسن بن علی (ع) نقل کرده که آن جناب در حدیثی که روی سخنش در آن با عمرو بن العاصی است، فرموده: و تو در بستری مشترک متولد شدی (یعنی مادرت هم با عاصی بن وائل هم بستر

می شده و هم با دیگران)، و وقتی متولد شدی عده ای از رجال قریش بر سر تو نزاع کردند، ابو سفیان بن حرب گفت این پسر از نطفه من است. ولید بن مغیره گفت: از من است. عثمان بن حارث و نضر بن حارث بن کلده، و عاصی بن وائل هر یک ادعا کردند که از من است، تا آنکه از میان همه آنان لئیم تر و بی حسب و نسب تر و خبیث تر و ستمکارتر و زناکارترشان عاصی بن وائل زورش بر سایرین چربید و تو را به خود ملحق ساخت.

و نیز این تو بودی که برای بر شمردن افتخاراتت به خطبه ایستادی، و گفتی این منم.

---

(۱) الدر المنثور، ج ۶، ص ۴۰۳.

(۲، ۳) الدر المنثور، ج ۶، ص ۴۰۳.

(۴ و ۵ و ۶ و ۷) روح المعانی، ج ۳۰، ص ۲۴۸.

که محمد را زخم زبان می زنم، و عاصی بن وائل گفت: محمد مردی أبتر است، یعنی اولاد ذکوری ندارد، اگر از دنیا برود نامش از صفحه روزگار محو می شود، و خدای تعالی در پاسخش فرمود:" إِنَّ شانِئَکَ هُوَ الْأَبْتَرُ"- تا آخر حدیث «۱».

و در تفسیر قمی در ذیل آیه" إِنَّا أَعْطَيْناكَ الْكَوْثَرَ" آمده که کوثر نهری است در بهشت، که خدا آن را به محمد (ص) داده، تا عوض از پسرش ابراهیم باشد «۲».

مؤلف: این روایت علاوه بر اینکه مرسل است، یعنی سندش ذکر نشده، و علاوه بر اینکه مضمر است، یعنی تنها در آن آمده که:" فرمود" و روشن نکرده که کدام یک از ائمه فرموده، با سایر روایات معارض است، و تفسیر کوثر به نهری در بهشت منافات ندارد که کوثر

به معنای خیر کثیر باشد، چون همانطور که در خبر ابن جبیر گذشت نهر بهشتی هم مصداقی از خیر کثیر است.

---

(۱) احتجاج طبرسی، ج ۱، ص ۴۱۱.

(۲) تفسیر قمی، ج ۲، ص ۴۴۵.

تفسیر نمونه

سوره کوثر

مقدمه

این سوره در مکه نازل شده و دارای ۳ آیه است.

محتوی و فضیلت سوره کوثر

مشهور این است که این سوره در ((مکه)) نازل شده است ولی بعضی احتمال مدنی بودن آن را داده اند، این احتمال نیز داده شده است که این سوره دو بار نازل شده یکبار در مکه و بار دیگری در مدینه ، ولی روایاتی که در شاءن نزول این سوره وارد شده ، قول مشهور را که این سوره مکی است تاءیید می کند.

در شاءن نزول این سوره می خوانیم : ((عاص بن وائل)) که از سران مشرکان بود، پیغمبر اکرم (صلی اللّه علیه و آله و سلّم) را به هنگام خارج شدن از مسجد الحرام ملاقات کرد، و مدتی با حضرت گفتگو نمود، گروهی از سران قریش در مسجد نشسته بودند و این منظره را از دور مشاهده کردند، هنگامی که ((عاص بن وائل)) وارد مسجد شد به او گفتند: با که صحبت می کردی ؟ گفت : با این مرد ((ابتر))!

این تعبیر را به خاطر این انتخاب کرد که ((عبدالله)) پسر پیغمبر اکرم (صلی اللّه علیه و آله و سلّم) از دنیا رفته بود، و عرب کسی را که پسر نداشت ((ابتر)) (یعنی بلاعقب) می نامید، و لذا قریش این نام را بعد از فوت پسر پیغمبر برای حضرت انتخاب کرده بود (سوره فوق نازل شد و پیغمبر

اکرم (صلی اللّه علیه و آله و سلّم) را به نعمتهای بسیار و کوثر بشارت داد، و دشمنان او را ابتر خواند). <۱>

توضیح اینکه : پیغمبر اکرم (صلی اللّه علیه و آله و سلّم) دو فرزند پسر از بانوی اسلام خدیجه داشت : یکی قاسم و دیگری طاهر که او را ((عبدالله)) نیز می نامیدند، و این هر دو در مکه از دنیا رفتند، و پیغمبر اکرم (صلی اللّه علیه و آله و سلّم) فاقد فرزند پسر شد، این موضوع زبان بدخواهان قریش را گشود، و کلمه ((ابتر)) را برای حضرتش انتخاب

کردند. <۲>

آنها طبق سنت خود برای فرزند پسر اهمیت فوق العاده ای قائل بودند، او را تداوم بخش برنامه های پدر می شمردند، بعد از این ماجرا آنها فکر می کردند با رحلت پیغمبر اکرم (صلی اللّه علیه و آله و سلّم) برنامه های او به خاطر نداشتن فرزند ذکور تعطیل خواهد شد و خوشحال بودند.

قرآن مجید نازل شد و بطرز اعجازآمیزی در این سوره به آنها پاسخ گفت ، و خبر داد که دشمنان او ابتر خواهند بود، و برنامه اسلام و قرآن هرگز قطع نخواهد شد، بشارتی که در این سوره داده شده از یکسو ضربه ای بود بر امیدهای دشمنان اسلام ، و از سوی دیگر تسلی خاطری بود به رسول الله (صلی اللّه علیه و آله و سلّم) که بعد از شنیدن این لقب زشت و توطئه دشمنان قلب پاکش غمگین و مکدر شده بود.

در فضیلت تلاوت این سوره در حدیثی (از پیغمبر اکرم (صلی اللّه علیه و آله و سلّم)

آمـده است : من قراءهـا سـقاه الله من انهار الجنه ، و اعطی من الاجر بعـدد کل قربان قربه العباد فی یوم عیـد، و یقربون من اهل الکتاب و المشرکین :

هر کس آن را تلاوت کنـد خداونـد او را از نهرهای بهشتی سـیراب خواهـد کرد، و به عدد هر قربانی که بندگان خدا در روز عیـد (قربان) قربانی می کننـد، و همچنین قربانیهائی که اهل کتاب و مشـرکان دارنـد، به عـدد هر یک از آنان اجری به او می دهد. <۳>

نام این سوره (کوثر) از اولین آیه آن گرفته شده است .

تفسیر :

ما به تو خیر فراوان دادیم

روی سـخن در تمام این سوره به پیغمبر اکرم (صـلی اللّه علیه و آله و سلّم) است (مانند سوره و الضحی و سوره ا لم نشرح) و یکی از اهداف مهم هر سه سوره تسلی خاطر آن حضرت در برابر انبوه حوادث دردناک و زخم زبانهای مکرر دشمنان است .

نخست می فرماید: ما به تو کوثر عطا کردیم (انا اعطیناک الکوثر).

((کوثر)) وصف است که از کثرت گرفته شده ، و به معنی خیر و برکت فراوان است ، و به افراد سـخاوتمند نیز کوثر گفته می شود.

در اینکه منظور از کوثر در اینجا چیست ؟ در روایتی آمده است که وقتی این سوره نازل شد پیغمبر اکرم (صلی اللّه علیه و آله و سلّم) بر فراز منـبر رفت و این سـوره را تلاوت فرمود، اصـحاب عرض کردنـد: این چیست که خداونـد به تو عطـا فرموده ؟ گفت : نهری است در بهشت ، سفیدتر از شیر، و صافتر از قدح (بلور) در

دو طرف آن قبه هائی از در و یاقوت است .... <۴>

در حدیث دیگری از امام صادق (علیه السلام) می خوانیم که فرمود: کوثر نهری است در بهشت که خداوند آن را به پیغمبرش در عوض فرزندش (عبد الله که در حیات او از دنیا رفت) به او عطا فرمود.

بعضی نیز گفته اند: منظور همان حوض کوثر است که تعلق به پیامبر (صلی اللّه علیه و آله و سلّم) دارد و مؤ منان به هنگام ورود در بهشت از آن سیراب می شوند. <۵>

بعضی آن را به نبوت تفسیر کرده ، و بعضی دیگر به قرآن ، و بعضی به کثرت اصحاب و یاران ، و بعضی به کثرت فرزندان و ذریه که همه آنها از نسل دخترش فاطمه زهرا (علیهاالسلام) به وجود آمدند، و آنقدر فزونی یافتند که از شماره بیرونند، و تا دامنه قیامت یادآور وجود پیغمبر اکرمند، بعضی نیز آن را به شفاعت تفسیر کرده و حدیثی از امام صادق در این زمینه نقل نموده اند. <۶>

تا آنجا که ((فخر رازی)) پانزده قول در تفسیر ((کوثر)) ذکر کرده است ، ولی ظاهر این است که غالب اینها بیان مصداقهای روشنی از این مفهوم وسیع

و گسترده است ، زیرا چنانکه گفتیم ((کوثر)) به معنی ((خیر کثیر و نعمت فراوان)) است ، و می دانیم خداوند بزرگ نعمتهای فراوان بسیاری به پیغمبر اکرم (صلی اللّه علیه و آله و سلّم) ارزانی داشت که هر یک از آنچه در بالا گفته شد یکی از مصداقهای روشن آن است ، و مصداقهای بسیار دیگری نیز

دارد که ممکن است به عنوان تفسیر مصداقی برای آیه ذکر شود.

به هر حال تمام مواهب الهی بر شخص پیغمبر اکرم (صلی اللّه علیه و آله و سلّم) در تمام زمینه ها حتی پیروزیهایش در غزوات بر دشمنان ، و حتی علمای امتش که در هر عصر و زمان مشعل فروزان قرآن و اسلام را پاسداری می کنند، و به هر گوشهای از جهان می برند، همه در این خیر کثیر وارد هستند.

فراموش نباید کرد این سخن را خداوند زمانی به پیامبرش می گوید که که آثار این خیر کثیر هنوز ظاهر نشده بود، این خبری بود از آینده نزدیک و آینده های دور، خبری بود اعجازآمیز و بیانگر حقانیت دعوت رسول اکرم (صلی اللّه علیه و آله و سلّم).

این نعمت عظیم و خیر فراوان شکرانه عظیم لازم دارد، هر چند شکر مخلوق هرگز حق نعمت خالق را ادا نمی کند، بلکه توفیق شکرگزاری خود نعمت دیگری است از ناحیه او و لذا می فرماید: اکنون که چنین است ، فقط برای پروردگارت نماز بخوان و قربانی کن (فصل لربک و انحر).

آری بخشنده نعمت او است ، بنابراین نماز و عبادت و قربانی که آن هم نوعی عبادت است برای غیر او معنی ندارد، مخصوصا با توجه به مفهوم رب که حکایت از تداوم نعمتها و تدبیر و ربوبیت پروردگار می کند.

کوتاه سخن اینکه ((عبادت)) خواه به صورت نماز باشد، یا قربانی کردن مخصوص رب و ولی نعمت است ، و او منحصرا ذات پاک خدا است .

این در برابر اعمال مشرکان است که برای بتها سجده و قربانی می کردند، در حالی

که نعمتهای خود را از خدا می دانستند! و به هر حال تعبیر ((لربک)) دلیل روشنی است بر مساءله لزوم قصد قربت در عبادات .

بسیاری از مفسران معتقدند که منظور نماز روز عید قربان ، و قربانی کردن در همان روز است ، ولی ظاهرا مفهوم آیه مفهوم عام و گسترده ای است هر چند نماز و قربانی روز عید یکی از مصداقهای روشن آن است .

تعبیر به ((وانحر)) از ماده ((نحر)) که مخصوص کشتن شتر است ، شاید به خاطر این است که در میان قربانیها شتر از اهمیت بیشتری برخوردار بود، و مسلمانان نخستین علاقه بسیار به آن داشتند، و قربانی کردن شتر بدون ایثار و گذشت ممکن نبود.

در اینجا دو تفسیر دیگر برای آیه فوق ذکر شده است :

۱ - منظور از جمله ((وانحر)) رو به قبله ایستادن به هنگام نماز است ، چرا که ماده نحر به معنی گلوگاه می باشد، سپس عرب آن را معنی مقابله با هر چیز استعمال کرده است ، و لذا می گویند ((منازلنا تتناحر)) یعنی : منزلهای ما در مقابل یکدیگر است .

۲ - منظور بلند کردن دستها به هنگام تکبیر و آوردن آن در مقابل گلوگاه و صورت است ، در حدیثی می خوانیم : هنگامی که این سوره نازل شد پیغمبر اکرم (صلی اللّه علیه و آله و سلّم) از جبرئیل سؤ ال فرمود: این ((نحیره)) ای <۷> که پروردگارم مرا به آن ماءمور ساخته چیست ؟

((جبرئیل)) عرض کرد: ((این نحیره نیست ، بلکه خداوند به تو دستور می دهد هنگامی که وارد نماز می شوی موقع تکبیر، دستها

را بلند کن ، و همچنین هنگامی که رکوع می کنی یا سر از رکوع برمی داری ، و یا سجده می کنی ، چرا که نماز ما و نماز فرشتگان در هفت آسمان همین گونه است ، و برای هر چیزی زینتی است ، و زینت نماز بلند کردن دستها در هر تکبیر است)). <۸>

و در حدیثی از امام صادق (علیه السلام) می خوانیم که در تفسیر این آیه با دست مبارکش اشاره کرده و فرمود: منظور این است که دستها را اینگونه در آغاز نماز بلند کنی به طوری که کف آنها رو به قبله باشد. <۹>

ولی تفسیر اول از همه مناسب تر است ، چرا که منظور نفی اعمال بت پرستان است که عبادت و قربانی را برای غیر خدا می کردند، ولی با این حال جمع میان همه معانی و روایاتی که در این باب رسیده است هیچ مانعی ندارد و به خصوص اینکه درباره بلند کردن دست به هنگام تکبیرات روایات متعددی در کتب شیعه و اهل سنت نقل شده است ، به این ترتیب آیه مفهوم جامعی دارد که اینها را نیز شامل می شود.

و در آخرین آیه این سوره با توجه به نسبتی که سران شرک به آن حضرت می دادند می فرماید: ((تو ابتر و بلاعقب نیستی ، دشمن تو ابتر است !)) (ان شانئک هو الابتر).

((شانی ء)) از ماده ((شنئان)) (بر وزن ضربان) به معنی عداوت و کینه - ورزی و بدخلقی کردن است ، و ((شانی ء)) کسی است که دارای این وصف باشد.

قابل توجه اینکه : ((ابتر)) در

اصـل به معنی ((حیوان دم بریـده)) است <۱۰> و انتخـاب این تعبیر از سوی دشـمنان اسـلام به منظور هتـک و توهین بود، و تعـبیر ((شـانی ء)) بیـانگر ایـن واقعیـت اسـت کـه آنهـا در دشـمنی خـود حـتی کمـترین ادب را نیز رعـایت نمی کردنـد، یعنی عداوتشان آمیخته با قساوت و رذالت بود، در حقیقت قرآن می گوید: این لقب خود شـما است نه پیغمبر اکرم (صـلی اللّه علیه و آله و سلّم).

از سوی دیگر همانگونه که در شاءن نزول سوره گفته شـد: قریش انتظار مرگ پیامبر (صـلی اللّه علیه و آله و سـلّم) و برچیده شدن بساط اسـلام را داشتند، چرا که می گفت ند او بلا عقب است ، قرآن می گوید تو بلا عقب نیستی ، دشمنان تو بلا عقب اند!

۱ - فاطمه (علیهاالسلام) و کوثر

گفتیم کوثر یـک معنی جامع و وسـیع دارد، و آن خیر کثیر و فراوان است ، و مصادیق آن زیاد است ، ولی بسـیاری از بزرگان علمـای شـیعه یکی از روشن ترین مصـداقهای آن را وجود مبارک ((فاطمه زهرا)) (سـلام الله علیها) دانسـته انـد، چرا که شاءن نزول آیه می گویـد: آنها پیغمبر اکرم (صـلی اللّه علیه و آله و سـلّم) را متهم می کردنـد که بلا عقب است ، قرآن ضـمن نفی سخن آنها می گوید: ما به تو کوثر دادیم .

از این تعبیر اسـتنباط می شود که این ((خیر کثیر)) همـان فـاطمه زهرا (علیهاالسـلام) است ، زیرا نسل و ذریه پیامبر (صـلی اللّه علیه و آله و سلّم) به وسیله همین دختر گرامی در جهان انتشار یافت نسلی که نه

تنها فرزندان جسمانی پیغمبر بودند، بلکه آئین او و تمام ارزشهای

اسلام را حفظ کردند، و به آیندگان ابلاغ نمودند، نه تنها امامان معصوم اهل بیت (علیهماالسلام) که آنها حساب مخصوص به خود دارند، بلکه هزاران هزار از فرزندان فاطمه (علیهاالسلام) در سراسر جهان پخش شدند که در میان آنها علمای بزرگ و نویسندگان و فقها و محدثان و مفسران والا مقام و فرماندهان عظیم بودند که با ایثار و فداکاری در حفظ آئین اسلام کوشیدند.

در اینجا به بحث جالبی از ((فخر رازی)) برخورد می کنیم که در ضمن تفسیرهای مختلف کوثر می گوید:

قول سوم این است که این سوره به عنوان رد بر کسانی نازل شده که عدم وجود اولاد را بر پیغمبر اکرم (صلی اللّه علیه و آله و سلّم) خرده می گرفتند، بنابراین معنی سوره این است که خداوند به او نسلی می دهد که در طول زمان باقی می ماند، ببین چه اندازه از اهل بیت را شهید کردند، در عین حال جهان مملو از آنها است ، این در حالی است که از بنی امیه (که دشمنان اسلام بودند) شخص قابل ذکری در دنیا باقی نماند، سپس بنگر و ببین چقدر از علمای بزرگ در میان آنها است ، مانند باقر و صادق و رضا و نفس زکیه <۱۱> و. <۱۲>

۲ - اعجاز این سوره

این سوره در حقیقت سه پیشگوئی بزرگ در بردارد: از یکسو اعطاء خیر کثیر را به پیغمبر نوید می دهد (گر چه ((اعطینا)) به صورت فعل ماضی است ، ولی ممکن است از قبیل مضارع مسلم باشد که در شکل ماضی

شـده) و این خیر کثیر تمام پیروزیها و موفقیتهائی را که بعدا نصـیب پیغمبر اکرم (صـلی اللّه علیه و آله و سلّم) شد، به هنگام نزول این سوره در مکه قابل پیشبینی نبود، شامل می شود.

از سوی دیگر خبر می دهـد که پیغمبر (صـلی اللّه علیه و آله و سلّم) بلاـ عقب نخواهـد بود، بلکه نسـل و دودمـان او به طور فراوان در جهان وجود خواهند داشت .

از سوی سوم خبر می دهد که دشـمنان او ابتر و بلا عقب خواهند بود، این پیشـگوئی نیز تحقق یافت ، و چنان دشـمنانش تار و مـار شدنـد که امروز اثری از آنهـا باقی نمانـده است ، در حالی که طوائفی همچون بنی امیه و بنی عباس که به مقابله با پیغمبر (صـلی اللّه علیه و آله و سلّم) و فرزندان او برخاسـتند روزی آنقدر جمعیت داشتند که فامیل و فرزندان آنها قابل شماره نبود، ولی امروز اگر هم چیزی از آنها باقی مانده باشد هرگز شناخته نیست .

۳ - ضمیر جمع در باره خدا برای چیست ؟

قابـل توجه اینکه در اینجـا و در آیـات فراوان دیگری از قرآن مجیـد خداونـد با صـیغه متکلم مع الغیر از خود یاد می کنـد می فرماید: ما کوثر را به تو عطا کردیم !

این تعبیر و مانند آن برای بیان عظمت و قدرت است ، زیرا بزرگان هنگامی که از خود سـخن می گویند نه فقط از خود که از ماءمورانشان نیز خبر می دهند، و این کنایه از قدرت و عظمت و وجود فرمانبردارانی در مقابل اوامر است .

در آیه مورد بحث کلمه ((ان)) نیز

تاءكيد ديگرى است بر اين معنى ، و تعبير به ((اعطيناك)) و نه ((آتيناك)) دليل بر اين است كه خداوند ((كوثر)) را به حضرتش بخشيده و اعطا فرموده است ، و اين بشارتى است بزرگ به پيغمبر اكرم

تا در برابر ياوه گوئيهاى دشمنان قلب مباركش آزرده نشود، و در عزم آهنينش فتور و سستى راه نيابد، و بداند تكيه گاه او خدائى است كه منبع همه خيرات است و خير كثير در اختيار او نهاده .

خداوندا! ما را از بركات اين ((خير كثير)) كه به پيامبرت مرحمت فرمودى بى نصيب مگردان .

پروردگارا! تو مى دانى ما آن حضرت و ذريه طاهرينش را از صميم دل دوست داريم ، ما را در زمره آنان محشور كن .

بارالها! عظمت او و آئينش بسيار است روز به روز بر اين عظمت و عزت و شوكت بيفزاى .

آمين يا رب العالمين

تفسیر مجمع البیان

آشنایی با این سوره به لطف حق در آستانه یکصد و هشتمین سوره قرآن ایستاده ایم. بجاست پیش از هر چیز به شناسنامه اش بنگریم:

۱ - نام این سوره نام بلند و جاودانه این سوره، «کوثر» به معنی «خیر فراوان» آمده است.

آیا این خیر فراوان و پایان ناپذیر، شهری است در بهشت،

یا حوضی است در محشر،

یا عبارت است از فرزندان بسیار،

یا مقام والای رسالت و نبوت،

یا نعمت دانش و حکمت،

یا کتاب پرشکوه خدا، قرآن، و یا همه این ها و دیگر مواهب و نعمت ها، هر چه هست خدا آن را به بنده برگزیده اش ارزانی داشته است. نام این سوره نیز یادآور این نعمت گران است و از آیه نخست اقتباس

شده است.

۲ - فرودگاه آن از دیدگاه بیشتر مفسران و محدثان و مورخان این سوره در سال اول بعثت، در مکه بر قلب مصفای محمد(ص) فرود آمده است؛ اما به باور پاره ای در صلح «حدیبیه». برخی نیز آن را در شمار سوره های مدنی آورده اند.

۳ - شمار آیه های آن این سوره، از سه آیه، ۱۰ واژه و ۴۳ حرف شکل گرفته، و با این وصف از معجزه های بزرگ قرآن است.

این آیات امیدآفرین در پاسخ بداندیشی ها و عیبجویی های خودکامگان و اصلاح ناپذیران - که پیامبر آزادی و برابری را با واژه های خشن و ظالمانه مارک می زدند و آماج دورغ می ساختند - فرود آمد، و بدین وسیله به نیک اندیشان امید بخشید، و بداندیشان را نومید و سر افکنده ساخت.

۴ - پاداش تلاوت آن از پیامبر گرامی آورده اند که فرمود:

من قرأها سقاه الله من انهار الجنه، واعطی من الاجر بعدد کل قربان قرّبه العباد فی یوم عید و...(۳۱۷)

هر کس این سوره را تلاوت کند و در آن بیندیشد، خدا او را از نهرهای بهشت سیراب می سازد و به شمار هر قربانی که مردم با ایمان و یا شرک گرا در روز عید قربان به بارگاه خدا و یا بت ها می برند به او پاداش خواهد داد.

از امام صادق آورده اند که:

من قرأ «انّا اعطیناک الکوثر» فی فرائضه و نوافله سقاه الله یوم القیامه من الکوثر و کان محدثه عند محمد (ص).(۳۱۸)

هر کس سوره «کوثر» را در نمازهای واجب و مستحب خود بخواند، خدا او را در روز رستاخیز از حوض کوثر سیراب می سازد، و جایگاهش نزد محمد(ص)، در

زیر درخت «طوبی» خواهد بود.

۱ - به یقین ما به تو [ای پیامبر!] خیر فراوان دادیم؛

۲ - پس برای پروردگارت نماز بگزار و[شتر]قربانی کن.

۳ - بی تردید دشمن تو، خود بی نسل [و تبار] است.

نگرشی بر واژه ها

کوثر: این واژه بر وزن «فوعل» مفهوم وصفی دارد، و از «کثرت» گرفته شده و به معنی خیر و برکت بسیار و پایان ناپذیر آمده است.

اعطاء: این واژه به معنی «بخشیدن» آمده است. بخشیدن بر دو گونه است: نوعی از بخشش به معنی مالك و صاحب اصل و سود ساختن دیگری است، و نوع دیگر آن به معنی اجازه بهره وری و تصرف است.

شانیء: به معنی دشمن کینه توز آمده است. این واژه از ریشه شنئآن به معنی دشمنی ورزیدن با دیگری است، و واژه مورد بحث به کسی که به این خصلت نکوهیده مبتلاست، اشاره دارد.

ابتر: این واژه در اصل به معنی الاغ دم بریده است. در مورد «زیاد» آمده است که: او خطبه ای دم بریده خواند، چرا که در خطبه اش نه خدا را ستایش کرد و نه بر پیامبر درود و سلام نثار نمود.

نحر: این واژه به معنی سبک و روش کشتن شتر آمده و «انحر» در آیه از این ریشه است.

شأن نزول در مورد شأن نزول و داستان فرود این سوره از «ابن عباس» آورده اند که: سوره «کوثر» در بزرگداشت پیامبر گرامی و آرامش خاطر بخشیدن به آن حضرت و در نکوهش یکی از بداندیش ترین و کینه توزترین دشمنان او «عاص بن وائل» فرود آمد. نامبرده روزی به هنگام بیرون آمدن پیامبر از مسجد با آن

بزرگوار رو به رو گردید و پس از گفت گوی کوتاهی، بر همسلکان خویش وارد شد. آنان از او پرسیدند، با چه کسی گفت و گو می کرد؟

او پاسخ داد که با این مرد «ابتر»! و منظورِ آن عنصر گستاخ این بود که پیامبر گرامی به دلیل مرگ پسرش ابراهیم، دیگر بدون فرزند و نسل و تبار خواهد بود، چرا که در فرهنگ منحط و ظالمانه آنان، دختر نه موقعیت و جایگاهی داشت و نه حتی فرزند خانواده به شمار می رفت. درست در آن شرایط بود که این سوره بر قلب مصفای پیامبر مهر فرود آمد، و بدین وسیله خدا به پیامبرش نوید داد که به او خیر فراوان و یا نسلی شایسته و ماندگار ارزانی خواهد داشت.(۳۱۹)

تفسیر

نعمت های گران و پاینده خدا به پیامبر

در سوره پیش قرآن شریف خصلت های نکوهیده انکارگران رسالت پیامبر و موضوع معاد و جهان پس از مرگ را بر شمرد، و آنـان را مورد نکوهش قرار داد، اینک در این سوره هم چنان روی سخن را به پیامبر گرامی نموده، و ضمن اشاره به نعمت های گران خدا به آن حضرت او را به نماز و نیایش و سپاس و قربانی فرمان می دهد.

نخست می فرماید:

إِنَّا أَعْطَيْناكَ الْكَوْثَرَ

هان ای پیامبر! ما به تو خیر فروان دادیم.

آنچه آمد ترجمه ای از آیه است، و در تفسیر آن دیدگاه ها متفاوت است:

۱ - به باور پاره ای از جمله «ابن عمر» و «عایشه» به نهری در بهشت اشاره دارد.

«ابن عباس» آورده است که: پس از فرود این آیات، پیامبر بر فراز منبر نشست و آنهارا بر مردم خواند. هنگامی

که فرود آمد از آن حضرت پرسیدند آن چه به شما ارزانی شده است، چیست؟

فرمود: منظور نهری است در بهشت پرطروات و زیبـا که از شـیر، سـفیدتر و شـفاف تر، از بلور صـاف تر و مانـدگارتر و در دو سوی آن قبه هـایی از درّ و یـا قوت است. بر کنار آن، پرنـدگان سبز رنگ و زیبایی است که گردن هایشان بسان گردن کبک است.

یاران گفتند: آن پرندگان زیبا چقدر تماشایی هستند!

فرمود: از آن ها زیباتر و تماشایی تر آن است که هر کس از گوشت آن ها بخورد و از آب کوثر بنوشد، رسـتگار می گردد و به رضوان خدا می رسد.

از امام صادق آورده انـد که فرمود: «کوثر» نهری است در بهشت که خدا آن را در برابر مرگ فرزند گرامی پیامبر به او ارزانی داشت.

به باور پاره ای منظور حوض ویژه پیامبر است که در روز رستاخیز مردم بسیاری بر آن وارد می گردند.

«انس» آورده است که روزی پیامبر گرامی سر بر بالش نهاد و پس از خوابی سبک، خندان و شادمان برخاست.

دلیـل شادمـانی او را پرسـیدیم، که فرمود: هم اینـک سوره ای بر من فرود آمـد، و آن گـاه به تلاـوت سوره «کوثر» پرداخت و فرمود: آیا می دانید «کوثر» چیست؟

گفتیم: خدا و پیامبرش داناترند.

فرمود: نهری است در بهشت که دارای خیر فراوان است، و خدا آن را به من وعده فرموده است. آن نهر زیبا «حوض» من است و روز رسـتاخیز امت من در ساحل آن بر من وارد می شوند و ظرف های آن برای بهره وری نیکان و پاکان به شـمار ستارگان آسمان هاست.

امّا در همان حال گروه هایی از امت من با حالتی پریشان بر آتش دوزخ سرنگون

می گردند، و من رو به بارگاه خدا، می گویم: پروردگارا، اینان از امت من بودند. پیام می رسد که: تو نمی دانی که اینان پس از رحلت تو چه کردند!

این روایت را «مسلم» در صحیح خود آورده است.

۲ - از دیدگاه گروهی از جمله «ابن عباس»، «مجاهد»، «سعید بن جبیر» واژه «کوثر» به معنی «خیر فروان» آمده است.

۳ - پاره ای آن را به رسالت پیامبر و کتاب پرشکوه او، قرآن تفسیر کرده اند.

۴ - از دیدگاه «حسن» منظور قرآن شریف است.

۵ - و از نظر برخی به معنی اصحاب و یاران بسیار است، که خدا در عصرها و نسل ها به آن حضرت ارزانی داشته است.

۶ - از دیدگاه گروهی منظور نسل ماندگار و فرزندان پرشمار است، که خدا از فرزند ارجمندش فاطمه(ع) به او ارزانی داشت، و شمار آنان به گونه ای است که نمی توان آن ها را بر شمرد و تا روز رستاخیز نیز هم چنان ادامه دارد.

۷ - و از امام صادق آوره اند که منظور مقام پرفراز شفاعت است.

به باور ما از آن جایی که واژه «کوثر» می تواند همه این مفاهیم و تفسیرها را در خود جای دهد، و آنچه آمد هر کدام مصداقی از مصادیق «خیر فراوان» است، باید گفت منظور همه این ها و بسا فراتر از این هاست، چرا که خدا به آن حضرت در این جهان خیر بسیاری ارزانی داشت و وعده فرمود که در جهان دیگر هم مواهب بسیاری به او بدهد. بنابر این تفسیر آیه این است که: ما به تو خیر فروان دنیا و آخرت را ارزانی داشتیم.

در آیه بعد می فرماید:

فَصَلِّ لِرَبِّکَ وَ

انْحَرْ

اینک که چنین است برای پروردگارت نماز بگزار و شتر قربانی کن.

از دیدگاه گروهی از جمله «عطاء» خدای فرزانه پس از نوید ارزانی شدن خیر فراوان به پیامبر، به او دستور می دهد که به منظور سپاس به بارگاه خدا در برابر این نعمت ها نماز عید را بخواند و پس از آن قربانی کند.

امّا «انس» آورده است که: پیامبر گرامی پیش از فرود این آیه در روز عید، نخست قربانی می کرد و آن گاه نماز می خواند و با فرود آیه دستور رسید که نخست نماز گزارد و پس از آن قربانی کند.

«سعید بن جبیر» و «مجاهد» بر آنند که: پس برای پروردگارت نماز بامدادی را بخوان، آن گاه در «منا» قربانی نما.

«محمد بن کعب» می گوید: در آن زمان مردمی بودند که نماز و قربانی شان خالصانه و برای خدا نبود، از این رو خدا به پیامبرش دستور داد تا نماز و قربانی را تنها برای تقرب به بارگاه خدا بگزارند و انجام دهند.

به باور برخی منظور این است که: برای پروردگارت نماز بگزار و رو به قبله بایست، چرا که واژه «نحر» به معنی گلوگاه آمده و در فرهنگ عرب آن را به برابر و مقابل هر چیز می گویند. برای نمونه گفته می شود:

«منازلنا تتناحر» منزل های ما در برابر یکدیگر است.

شاعر می گوید:

اباحکم هل انت عم مجالد

و سید اهل الابطح المتناحر

هان ای «اباحکم»! آیا تو عموی «مجالد» و سرور مردم مکّه هستی که در برابر آنان قرار گرفته ای؟

از امیرمؤمنان آورده اند که فرمود: منظور این است که دست راست خود را به هنگام نماز در گلوگاه خود بر روی دست

چپ بگذاری.

گفتنی است که این روایت نادرست است، چرا که همه خاندان رسالت خلاف این دیدگاه را از آن حضرت آورده و روشنگری می کنند که منظور بلندکردن دو دست به هنگام آغاز نماز تا برابر گلوگاه و چهره است.

از امام صادق آورده اند که فرمود: منظور بالا آوردن دو دست در برابر صورت است، به گونه ای که کف آن ها به طرف قبله باشد.

در روایت دیگری آورده اند که پس از فرود این سوره، پیامبر به فرشته وحی گفت: این «نُحیره»ای که خدا مرا به انجام آن فرمان می دهد چیست؟

فرشته وحی گفت: این «نُحیره» نیست، بلکه خدایت فرمان می دهد که به هنگام آغاز نماز و گفتن «تکبیر» دست ها را بلند کن، و هرگاه رکوع نمودی، یا سر از رکوع برداشتی، و یا سجده کردی، دست ها را در برابر قبله بلند کن و بگو «اللّه اکبر»، چرا که نماز ما و نماز فرشتگان در هفت آسمان نیز همین گونه است، و برای هر کار و هر چیز زینتی است، و زینت نماز بلند کردن دو دست در هر «تکبیر» است.

از پیامبر آورده اند که فرمود: بلند کردن دو دست به هنگام «تکبیر» از فروتنی و خشوع در برابر خداست، آیا این آیه را نخوانده اید که می فرماید: فما استکانوا بربهم...(۳۲۰) و به راستی آنان را به عذاب گرفتار کردیم، چرا که نسبت به پروردگار خویش فروتنی و خشوع نکردند و زاری و توبه ننمودند.

و سرانجام می فرماید:

إِنَّ شانِئَکَ هُوَ الْأَبْتَرُ

بی گمان دشمن کینه توز تو بی نسل و تبار خواهد بود.

به باور «قتاده» منظور این است که: بی گمان دشمن تو به خاطر گسستن

از هر خوبی و شایستگی، حقیرترین و فرومایه ترین انسان هاست.

از دیدگاه پاره ای واژه «ابتر» به مفهوم کسی است که در حقیقت فرزندی ندارد و اگر به ظاهر هم فرزندی دارد، از آن او نیست.

«مجاهد» می گوید: این آیه در حقیقت پاسخ کوبنده خدا به تاریک اندیشانی است که می گفتند: پیامبر پسری ندارد تا راه و رسم او را ادامه دهد و با مردن او، دین و نام و نشان وی نیز فراموش می گردد.

دلایل راستی و درستی رسالت پیامبر

در آیات کوتاه و زیبای این سوره، دلیل های روشن و ماندگاری بر راستی رسالت و درستی دعوت آسمانی پیامبر گرامی آمده است؛ برای نمونه:

۱ - آن حضرت از اندیشه پلید و کینه توزانه آنان و آنچه در نهان بر ضد او می بافتند و بیهوده دل خوش می داشتند، خبر داد و این جز از راه وحی نشاید.

۲ - خدای فزرانه به او نوید نعمت ماندگار و موهبت جاودانه و «خیر فراوان» داد؛ اینک لحظه ای باید اندیشید که چگونه آن نوید تحقق یافت و آن پیشگویی بزرگ روی داد و دین و آیین او دنیا را گرفت و نام با عظمت او بلند آوازه گردید.

۳ - خدا به آن حضرت نوید داد که نسل و تبار او ادامه یافته و فرزندانش فراوان خواهند بود، و شگفتا که با همه کشتارها و قتل عام ها از فرزندان او، اینک فرزندان او از همه بیشتر است.

۴ - از پرشکوه ترین دلیل های رسالت آن حضرت همین سوره است، چراکه آن حضرت از فرود نخستین اشعه وحی تا هماره تاریخ، هماورد طلبید و اعلام فرمود که: اگر کسی در آسمانی بودن قرآن

و رسالت او در تردید است، کتاب، یا سوره و یا آیه ای بسان او بیاورد تا او از ادامه دعوت خویش دست کشد! و می دانیم که مخالفان و دشمنان او با همه تلاش های تخریبی و ظالمانه ای که از آغاز بعثت تاکنون بر ضد او داشتند، هرگز نتوانستند سوره ای بسان همین سوره که با وجود کوتاهی آیات، در اوج اعجاز است بیاورند، و این برترین سند صداقت اوست.

۵ - خدایش به آن حضرت وعده یاری و پیروزی داد و به او اطمینان خاطر بخشید که نسل و تبار دشمنان کینه توز او بریده می شود و آنان بی تبار خواهند بود، و شگفتا که این خبر نیز تحقق یافت...

بارخدایا! به لطف و مهر بی کران خویش ما را از فرزندان معنوی آن حضرت قرار ده و با او همدم و همراه و همنشین بفرما!

تفسیر اطیب البیان

سوره کوثر ، غرض سوره :امتنان بر رسولخدا ص به واسطه اعطاء وجود مقدس حضرت زهرا(س) که معدن خیر وبرکت است
.

(۱) (انا اعطیناک الکوثر):(بدرستی که ما به تو خیر کثیر دادیم)

(۲) (فصل لربک و انحر):(پس به شکرانه آن ، برای پروردگارت نماز بخوان وقربانی کن)

(۳) (ان شانئک هو الابتر):(بدرستی که شماتت گو و دشمن تو ابتر و بی دنباله است)این آیات برای تسلی خاطر رسولخدا ص نازل شده ، ظاهرا پس از اینکه فرزندان ذکور پیامبر ص (قاسم و عبدالله)در کودکی از دنیا رفتند، عاص بن وائل سهمی که ازکفار قریش بود از روی شماتت گفت : نسل محمد قطع شده و او ابتر و بی دنباله است ،آنگاه خداوند این سوره را در پاسخ او نازل فرمود.(کوثر)به

معنـای خیر کثیر است و مطـابق روایات مراد از کوثر ذریه فاطمه زهرا(س)هسـتند، چون خداونـد در این خانواده برکت و خیر کـثیر قرار داده است به گونه ای که هم در ظـاهر و از نظر تعـداد رو به تزایـد و کـثرت هسـتند،و اولاـد آنحضـرت و سـادات با وجودآن همه بلایا که از حکام جور متحمل شده اند، باز هم از نظر کثرت هیچ نسلی معادل آنان دیده نمی شود، و هم از نظر حقیقت و بـاطن امامـان معصوم (علیهم السـلام)از ذریه آنحضـرت ، منشـاء خیر و برکت و واسـطه فیض الهی در عالم وجود و مظهر اسماءحسـنای الهی می باشند .به هر جهت خداوند تعالی خطاب به رسول اکرم ص می فرماید: ای محمد ما به توکوثر را عطـا کردیم ، پس شایسـته است که به شـکرانه این نعمت برای پروردگـارت نمـاز بجاآوری و قربانی کنی و یا دسـتان خود را برای تکـبیر بلنـد گردانی ، چـون بنـابرروایتی که ازطریق ائمه (علیهم السـلام)رسـیده ، (نحر)عبـارتست از بلنـد کردن دست به جـانب گردن ، درهنگام تکبیر نماز، و در انتها می فرمایـد: همانا دشـمن خشـمگین و بـد خلق تو بـدون دنباله واجاق کور وبی عقب است

تفسیر نور

آنجـا که خداونـد در مقام دعوت به توحیـد است، ضـمیر مفرد به کار می برد، هماننـد <<أنا ربّکم فاعبـدون>><<۱۰۶۵> پروردگـار شـما من هسـتم، پس مرا عبادت کنیـد. <<أنَا ربّکم فاتَّقون>><<۱۰۶۶> من پروردگـار شـما هسـتم، از من پروا کنید. <<انّنی أنَا اللّه>><<۱۰۶۷> همانا

ن خداوند یکتا هستم.

همچنین درمواردی که خداونـد کـاری را بـدون واسـطه انجام می دهـد یا در مقام بیان ارتباط تنگاتنگ خالق با مخلوق است، ضمیر مفرد به

کار می رود، همانند: <<و أنَا الغفور الرحیم>><۱۰۶۸> تنها من بخشنده مهربانم. <<فانّی قریب>><۱۰۶۹> من به بندگانم نزدیکم.

اما گاهی آیه در مقام بیان عظمت خداوند و شرافت نعمت است که در این موارد ضمیر جمع همچون «اِنّا» به کار می رود، چنانکه در این آیه می فرماید: <<اِنّا اعطیناک الکوثر>> زیرا عطای الهی به بهترین خلق خدا، آن هم عطای کوثر، به گونه ای است که باید با عظمت از آن

اد شود.

همچنین در مواردی که خداوند کاری را با واسطه انجام می دهد، نظیر باران که با واسطه تابش خورشید و پیدایش بخار و ابر می بارد، از ضمیر جمع استفاده می شود، چنانکه می فرماید: <<وانزلنا من السماء ماءً>><۱۰۷۰> ما از آسمان آبی فرو فرستادیم.

از میان یکصد و چهارده سوره قرآن، چهار سوره با کلمه «اِنّا» آغاز شده است: سوره های فتح، نوح، قدر و کوثر.

<<اِنّا فَتَحنا لک فتحاً مبیناً>> ما برای تو پیروزی آشکار قرار دادیم.

<<اِنّا ارسلنا نوحاً>> ما نوح را به سوی مردم فرستادیم.

<<اِنّا انزلناه فی لیله القدر>> ما قرآن را در شب قدر نازل کردیم.

<<اِنّا اعطیناک الکوثر>> ما به تو کوثر عطا کردیم.

در آغاز یکی از این چهار سوره، از حضرت نوح که اولین پیامبر اولوا العزم است و بعد از حضرت آدم، پدر دوم انسان محسوب می شود، سخن به میان آمده است. در آغاز سه سوره دیگر، به نعمت های ویژه ای همچون نزول قرآن، پیروزی آشکار و عطای کوثر، اشاره شده است. شاید می

این چهار موضوع ارتباطی باشد که یکی رسالت اولین پیامبر اولوا العزم، دیگری نزول آخرین کتاب آسمانی، سوّمی پیروزی مکتب اسلام و چهارمی تداوم خط رسالت و ابتر نماندن آن را بیان می کند.

کلمه «کوثر» از «کثرت» گرفته

شـده و به معنـای خیر کثیر و فراوان است. و روشن است که این معنـا می توانـد مصادیق متعـدّدی همچون وحی، نبوّت، قرآن، مقام شفاعت، علم کثیر و اخلاق نیکو داشته باشد، ولی آیه آخر سوره، می تواند شاهدی بر این باشد که مراد از کوثر، نسل م

رک پیـامبر اکرم است. زیرا دشـمنِ کینه توز بـا جسـارت به پیـامبر، او را ابتر می نامیـد و خداونـد در دفـاع از پیـامبرش فرمود: <<انّ شانئـک هو الابـتر>> دشـمن تو، خود ابتر است. بنـابراین اگر مراد از کوثر، نسـل نباشـد، برای ارتباط آیه اول و سوم سوره، توجیه و معنایی دل نخواهیم داشت.

کلمه «ابتر» در اصـل به حیوان دم بریـده و در اصـطلاح به کسـی گفته می شود که نسـلی از او به یادگار باقی نمانـده باشـد. از آنجـا که فرزنـدان پسـر پیامبر در کودکی از دنیا رفتنـد، دشـمنان می گفتنـد: او دیگر عقبه و نسـلی نـدارد و ابتر است. زیرا در فرهنگ جاهلیّت دختر لایق

ن نبود که نـام پـدر را زنـده نگـاه دارد. بنابراین جمله <<انّ شانئک هو الابتر>> دلیل آن است که مراد از کوثر، نسل کثیر پیامبر است که بدون شک از طریق حضرت زهراعلیها السلام می باشد.

این نسـل پر برکت از طریق حضـرت خـدیجه نصـیب پیـامبر اکرم صـلی الله علیه وآله شـد. آری خـدیجه مـال کثیر داد و کوثر گرفت. ما نیز تا از کثیر نگذریم به کوثر نمی رسیم.

فخررازی در تفسـیر کبیر می گویـد: چه نسـلی با برکت تر از نسل فاطمه که مثل باقر و صادق و رضا از آن برخاسـته است و با آنکه تعداد بسیاری از آنان را در طول تاریخ، به خصوص در زمان حکومت بنی امیّه و بنی عبّاس شهید کردند، امّا

باز هم امروز فرزندان او در اکثر کشو

ای اسلامی گسترده اند.

در زمانی که خبر تولّد دختر سبب اندوه پدر می شد، به گونه ای که صورتش از غصه سیاه گشته و به فکر فرو می رفت که از میان مردم فرار کند یا دخترش را زنده به گور کند: <<یتواری من القوم ام یدُسّه فی التّراب>><۱۰۷۱> در این زمان قرآن به دختر لقب کوثر می دهد ت

فرهنگ جاهلی را به فرهنگ الهی و انسانی تبدیل کند.

بر اساس روایات، نام یکی از نهرها و حوض های بهشتی، کوثر است و مؤمنان از آن سیراب می شوند. چنانکه در روایت متواتر ثقلین نیز پیامبر فرمود: «انّهما لن یفترقا حتّی یردا علیّ الحوض» کتاب و عترت از یکدیگر جدا نمی شوند تا آنکه در قیامت، در کنار حوض به من ملح

شوند.

کوثر الهی، به جنسیّت بستگی ندارد؛ فاطمه، دختر بود امّا کوثر شد. به تعداد کثیر بستگی ندارد؛ فاطمه، یک نفر بود امّا کوثر شد. آری خداوند می تواند کم را کوثر و زیاد را محو کند.

خداوند از اولیای خود دفاع می کند. به کسی که پیامبر را بی عَقَبه می شمرد، پاسخ قولی و عملی می دهد. وجود فاطمه پاسخ عملی و جمله <<هو الابتر>> پاسخ قولی است. خداوند نه تنها از اولیای خود، بلکه از همه مؤمنان دفاع می کند: <<انّ اللّه یدافع عن الّذین آمنوا

<۱۰۷۲>

هدیه کننده خداوند، هدیه گیرنده پیامبر و هدیه شده فاطمه است. لذا عبارت <<اِنّا اعطیناک الکوثر>> به کار رفته که بیانگر عظمت خداوند و بزرگی هدیه اوست.

هر چه ضربه به دین و مقدّسات دینی شدیدتر باشد، دفاع هم باید قوی تر باشد. به پیامبر اسلام جسارت های زیادی کردند و او را ساحر، کاهن، شاعر و مجنون

خواندند که همه آنها به نحوی در قرآن جبران شده است.

به پیامبر گفتند: <<انّک لمجنون>><۱۰۷۳> تو جنّ زده ای، ولی خداوند فرمود: <<ما انتَ بنعمه ربّک بمجنون>><۱۰۷۴> به لطف الهی تو مجنون نیستی.

به آن حضرت گفتند: <<لَستَ مُرسلًا>><۱۰۷۵> تو فرستاده خدا نیستی، خداوند فرمود: <<انّک لمن المرسلین>><۱۰۷۶> قطعاً تو از پیامبرانی.

به حضرت نسبت شاعری و خیالبافی دادند: <<لشاعر مجنون>><۱۰۷۷> خداوند فرمود: <<و ما علّمناه الشعر و ما ینبغی له>><۱۰۷۸> ما به او شعر نیاموختیم و برای او سزاوار نیست.

گفتند: این چه پیامبری است که غذا می خورد و در بازار راه می رود: <<و قالوا ما لهذا الرسول یاکل الطعام و یمشی فی الاسواق>><۱۰۷۹> خداوند فرمود: پیامبران پیش از تو نیز غذا می خوردند و در بازارها راه می رفتند: <<و ما ارسلنا قبلک من المرسلین الّا انّهم ل

کلون الطعام و یمشون فی الاسواق>><۱۰۸۰>

به آن حضرت ابتر گفتند، خداوند فرمود: <<انّ شانئک هو الابتر>>.

آری، پاسخ کسی که به اشرف مخلوقات ابتر بگوید، آن است که خداوند به او کوثری عطا کند که چشم همه خیره و عقل همه مبهوت شود.

خداوند مصداقی برای کوثر در آیه نیاورد تا همچنان مبهم بماند تا شاید اشاره به این باشد که عمق برکت کوثر عطا شده حتّی برای خود پیامبر اکرم در هاله ای از ابهام است.

در این سوره دو خبر غیبی نهفته است: یکی عطا شدن کوثر به پیامبر، آن هم در مکّه ای که حضرت دست خالی بود و فرزند پسر نداشت، دیگر ابتر ماندن دشمن که دارای فرزندان و ثروت های بسیار بود.

تاریخ و آمار بهترین شاهد بر کوثر بودن این عطیّه الهی است. هیچ نسلی از هیچ قومی در جهان، به اندازه نسل

حضرت فاطمه علیها السلام رشد و شکوفایی نداشته است. خصوصاً اگر کسانی را که مادرشان سیّد است، از سادات به حساب آوریم، آمار سادات در جهان نشانه معجزه ای

خبر غیبی است.

عطا کردن کوثر به شخصی مثل پیامبر، زمانی معنا دارد که عطا کننده سرچشمه علم و حکمت و قدرت و رحمت باشد. بنابراین عطای کوثر نشانه صفات وکمالات الهی است.

در این سوره که سه جمله بیشتر ندارد، پنج بار شخص پیامبر مورد خطاب قرار گرفته است.

زیرا علاوه بر ضمیر کاف «ک» «اعطیناک»، در خطاب «صلّ» و «لربک» دو بار و در عبارت «انحر» و «شانئک» نیز دو بار، پیامبر مخاطب است. <<اعطیناک، فصلّ، لربّک، انحر، شانئک>>

در سراسر قرآن نیز، بیش از دویست و چهل بار خداوند به پیامبرش می فرماید: <<ربّک>>

با آن که او پروردگار تمام هستی: <<ربّ کلّ شی ء>><۱۰۸۱> و پروردگار همه ی مردم است: <<ربّ النّاس>><۱۰۸۲>، ولی از میان واژه های «ربّ» کلمه «ربّک» بیش از همه به کار رفته و این نشانه آن است که خداوند بر پیامبرش عنایت خاصّی دارد.

چنانکه نمونه این عنایت ویژه را در آیات دیگر نیز مشاهده می کنیم، مثلاً خداوند نام اعضا و جوارح پیامبر را در قرآن مطرح کرده است: چهره ات: <<وجهک>><۱۰۸۳>، زبانت: <<لسانک>><۱۰۸۴> چشمانت: <<عینیک>><۱۰۸۵> گردنت: <<عنقک>><۱۰۸۶> دستانت: <<یدک>><۱۰۸۷

سینه ات: <<صدرک>><۱۰۸۸> کمرت: <<ظهرک>><۱۰۸۹>

الطاف خداوند به پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله، گاهی با درخواست آن حضرت صورت گرفته است، نظیر <<قل ربّ زدنی علماً>><۱۰۹۰> پروردگارا! مرا از نظر علمی توسعه بده. امّا کوثر هدیه ای الهی بود که بدون درخواست، به پیامبر عزیز داده شد.

کوثر چیست؟

از آیه آخر سوره، یعنی <<انّ شانئک هو الابتر>> استفاده می شود که مراد از کوثر چیزی ضد ابتر

است و از آنجا که عرب به افراد بی عقبه و بی نسل که فرزند پسر ندارند و با مردن، آثارشان محو می شود، ابتر می گوید، بهترین مصداق برای کوثر، ذریّه پیامبر است که امام

معصوم از نسل فاطمه می باشند. البتّه کوثر، معنایی عام دارد و شامل هر خیر کثیر می شود.

اگر مراد از کوثر، علم باشد، همان چیزی است که پیامبر مأمور به خواستنش بود. <<قل ربّ زدنی علماً>>

اگر مراد از کوثر اخلاق نیک باشد، پیامبر دارای خلق عظیم بود. <<انّک لعلی خلق عظیم>><۱۰۹۱>

اگر مراد از کوثر عبادت باشد، حضرتش به قدری عبادت می کرد که آیه نازل شد: ما قرآن را نفرستادیم تا این گونه خود را به مشقّت اندازی. <<ما انزلنا علیك القرآن لتشقی>><۱۰۹۲>

اگر مراد از کوثر نسل کثیر باشد که امروزه بیشترین نسل از اوست.

اگر مراد از کوثر امّت کثیر باشد، طبق وعده الهی اسلام بر تمام جهان غالب خواهد شد. <<لیظهره علی الدین کلّه>> <۱۰۹۳>

اگر مراد از کوثر شفاعت باشد، خداوند تا جایی که پیامبر راضی شود از امّت او می بخشد. <<و لسوف یعطیك ربّك فترضی>><۱۰۹۴>

کوثر، امری دنیایی نیست و چیزی فراتر از نان، نام، مقام و جلوه های دنیوی است. زیرا قرآن دنیا را قلیل <۱۰۹۵> و ناپایدار<۱۰۹۶> نامیده است.

هر کثیری کوثر نیست. قرآن می فرماید: اموال و اولاد مخالفان، شما را به تعجب واندارد، زیرا که خداوند اراده کرده آنان را در دنیا از طریق همان اموال و اولاد عذاب کند. <<فلا تعجبک اموالهم و لا اولادهم انما یرید اللّه لیعذّبهم بها فی الحیاه الدنیا>><۱۰۹۷>

در قرآن سوره ای به نام کوثر داریم و سوره ای به نام تکاثر. امّا کوثر ارزش است و تکاثر ضدّ ارزش، زیرا اولی عطیّه

الهی است که دنباله اش ذکر خداست: <<اعطیناک الکوثر فصلّ >>و دوّمی یک رقابت منفی که دنباله اش غفلت از خداست. <<الهاکم التکاثر>>

کوثر ما را به مسجد می برد برای نماز: <<فصلّ لربّک>> و تکاثر ما را به گورستان می برد برای سرشماری مردگان. <<حتی زُرتم المقابر>>

در عطای کوثر بشارت است: <<انّا اعطیناک الکوثر>> و در تکاثر تهدیدهای پی در پی. <<کلّا سوف تعلمون ثمّ کلّا سوف تعلمون>>

کوثر، عامل رابطه با خالق است: <<اعطیناک الکوثر فصل>> و تکاثر، وسیله ای برای سرگرمی با مخلوق. <<الهاکم التّکاثر>>

کوثر که بزرگ ترین هدیه الهی است در کوچک ترین سوره قرآن مطرح شده است.

هدیه اشرف معبود به اشرف مخلوق چیزی جز کوثر نمی تواند باشد. <<انّا اعطیناک الکوثر>>

در ماجرای فتح مکّه که مشرکان دسته دسته و فوج فوج به اسلام وارد می شدند، خداوند تنها دستور تسبیح می دهد: <<رَأیتَ النَّاس یَدخلون فی دینِ اللّه أفواجا فَسَبّح>> ولی برای عطا کردن کوثر می فرماید: <<فصلِ لربّک>> نماز بگزار. گویا اهمیّت کوثر از اسلام

ردن مشرکان بیش تر است.

عطای استثنایی در سوره استثنایی با الفاظ استثنایی:

عطا بی نظیر است، چون کوثر است؛ سوره بی نظیر است، چون کوچک ترین سوره قرآن است و الفاظ بی نظیرند، چون کلمات «اعطینا»، «الکوثر»، «صلِ»، «انحر»، «شانئک» و «ابتر» تنها در این سوره به کار رفته و در هیچ کجای قرآن شبیه ندارد.

هر زخم زبان و کلامی وزنی دارد. به شخص پیامبر اکرم توهین ها شد، کلماتی از قبیل مجنون، شاعر، کاهن و ساحر به او گفتند و به یاران او نیز توهین ها شد تا آنجا که گفتند: این بیچارگان را از خود دور کن تا ما دور تو جمع شویم. برای هیچ کدام سوره ای مستقل نازل ن

، امّا در

نسبت ابتر دادن یک سوره نازل شد که خیر کثیر به تو عطا کردیم و دشمن تو ابتر است و این به خاطر آن است که جسارت به شخص و یاران قابل تحمّل است، امّا جسارت به راه و مکتب که او ابتر و راه او گذرا و بی آینده است، قابل تحمّل نیست.

گاهی جسارت برخاسته از لغوگویی است که باید با کرامت از کنارش گذشت. <<اذا مرّوا باللغو مرّوا کراما>>

گاهی جسارت به خاطر جوّ فاسد و دوستان ناباب است، که باید از آنان اعراض کرد. <<اذا رأیت الّذین یخوضون فی آیاتنا فاعرض عنهم>><۱۰۹۸>

امّا گاهی جسارت به مکتب و رهبر است، آن هم از سوی افراد سرشناس و سیاسی که باید جواب سخت به آن داده شود. <<انّ شانئک هو الابتر>> همان گونه که منافقان از روی غرور می گفتند: آیا ما مثل افراد بی خرد به پیامبر ایمان بیاوریم. <<أنُومن کما آمن السفهاء>> قرآن

جسارت اینگونه افراد را چنین پاسخ می دهد: <<الا انّهم هم السّفهاء و لکن لا یعلمون>><۱۰۹۹> آنان خود بی خردند ولی نمی دانند!

شتر در قرآن، هم در بحث توحید مطرح شده است: <<أفلا ینظرون الی الابل کیف خلقت>><۱۱۰۰> هم در مورد مقدّمات قیامت نام آن آمده است، <<و اذا العشار عطّلت>><۱۱۰۱> هم در احکام و شعائر حج مطرح شده است، <<و البُدن جعلناها>><۱۱۰۲> و هم مورد قربانی و کمک رس

ی به جامعه قرار گرفته است. <<وانحر>>

بر اساس روایات، مراد از <<وانحر>> آن است که به هنگام گفتن تکبیرها در نماز، دستان تا مقابل گودی زیر گلو که محلّ نحر است، بالا آورده شود که این زینت نماز است.<۱۱۰۳>

بر اساس روایات، آن دشمن کینه توزی که به پیامبر اکرم

جسارت کرد و او را ابتر خواند، پدر عمرو عاص بود.

خداوند هم سبب ساز است هم سبب سوز. او می تواند از یک فاطمه کوثر بیافریند و می تواند افرادی را که پسران رشید دارند به فراموشی بسپارد.

او می تواند دریا را با زدن عصای موسی خشک، <<اِضرب بعصاك البحر فانفلق>><۱۱۰۴> و با زدن همان عصا به سنگ، دوازده چشمه جاری سازد. <<و اضرب بعصاك الحجر فانفجرت>><۱۱۰۵>

۱- خداوند به وعده های خود عمل می کند. در سوره ضحی، خداوند وعده ی عطا به پیامبر داده بود: <<و لسوف یعطیك ربّك فترضی>><۱۱۰۶> پروردگارت در آینده عطائی خواهد کرد که تو راضی شوی. در این سوره می فرماید: ما به آن وعده عمل کردیم. <<انّا اعطیناك الكوثر>>

۲- فرزند و نسل عطیّه الهی است. <<انّا اعطیناك الكوثر>>

۳- توجّه و عنایت به زیردستان، شرط مدیریّت و رهبری است. <<انّا اعطیناك>>

۴- نعمت ها حتّی برای پیامبر اسلام مسئولیّت آور است. <<اعطیناك... فَصلِّ>>

۵ - در قرآن به نماز یا سجده شکر سفارش شده است. <<فَصلِّ>>

۶- تشکّر باید فوری باشد. <<فَصلِّ>> (حرف فاء برای تسریع است)

۷- نوع تشکّر را باید از خدا بیاموزیم. <<فَصلِّ>>

۸ - در نعمت ها و شادی ها خداوند را فراموش نکنیم. <<اعطیناك الكوثر فصلّ>>

۹- آنچه می تواند به عنوان تشکّر از کوثر قرار گیرد، نماز است. <<فَصلِّ>>

(نماز جامع ترین و کامل ترین نوع عبادت است که در آن هم قلب باید حضور داشته باشد با قصد قربت و هم زبان با تلاوت حمد و سوره و هم بدن با رکوع و سجود. مسح سر و پا نیز شاید اشاره به آن باشد که انسان از سر تا پا بنده اوست. در نماز بلندترین نقطه بدن که پیشان

است، روزی سی و چهار بار

بر زمین ساییده می شود تا در انسان تکبّری باقی نماند. حضرت زهراعلیها السلام در خطبه معروف خود فرمود: فلسفه و دلیل نماز پاک شدن روح از تکبر است. «تنزیهاً لکم من الکبر»)

۱۰- دستورات دینی، مطابق عقل و فطرت است. عقل تشکّر از نعمت را لازم می داند، دین هم به همان فرمان می دهد. <<فصلّ لربّک>>

۱۱- چون عطا از اوست: <<انّا اعطینا>> تشکّر هم باید برای او باشد. <<فصلّ لربّک>>

۱۲- قربانی کردن، یکی از راههای تشکّر از نعمت های الهی است. (زیرا محرومان به نوایی می رسند.) <<و انحر>>

۱۳- هر که بامش بیش برفش بیشتر. کسی که کوثر دارد، ذبح گوسفند کافی نیست باید شتر نحر کند و بزرگ ترین حیوان اهلی را فدا کند. <<و انحر>>

۱۴- رابطه با خداوند بر رابطه با خلق مقدّم است. <<فصلّ... و انحر>>

۱۵- انفاقی ارزش دارد که در کنار ایمان و عبادت باشد. <<فصلّ لربّک وانحر>>

۱۶- شکرِ عطا گرفتن از خدا، عطا کردن به مردم است. <<اعطیناک الکوثر... وانحر>>

۱۷- نمازی ارزش دارد که خالصانه باشد، <<لربّک>> و انفاقی ارزش دارد که سخاوت مندانه باشد. <<وانحر>>

۱۸- دشمنان پیامبر و مکتب او ناکام هستند. (کلمه شانِئ اسم فاعل است و شامل هر دشمنی در گذشته و حال و آینده می شود. اگر می گفت: «من شانک هو الابتر» تنها کسانی را که در گذشته دشمنی کرده اند شامل می شد و اگر می گفت: «من یشونک هو الابتر» تنها دشمنان آینده

در برمی گرفت. <<انّ شانئک هو الابتر>>.)

۱۹- توهین به مقدّسات، توبیخ و تهدید سخت دارد. <<انّ شانئک هو الابتر>>

۲۰- از متلک ها و توهین ها نهراسیم که خداوند طرفداران خود را حفظ می کند. <<انّ شانئک هو الابتر>>

۲۱- زود قضاوت نکنیم و تنها به آمار و

محاسبات تکیه نکنیم که همه چیز به اراده خداوند است. (مخالفان، با مرگ پسر پیامبر و داشتن پسران متعدّد برای خود، قضاوت کردند که پیامبر ابتر است، ولی همه چیز برعکس شد.) <<انّا اعطیناک الکوثر... انّ شانئک هو الابتر>>

«والحمدللّه ربّ العالمین»

تفسیر انگلیسی

When the Holy Prophets son, Tahir, born to Khadijah al Kubra, died, Amr bin As and Hakam bin As taunted the Holy Prophet by calling him abtar-tail-less, whose progeny has been cut off. This surah was revealed to give glad tidings to the Holy Prophet that abundance of unbounded grace, wisdom and knowledge, mercy and goodness, .spiritual power and insight, in highest degrees, and of progeny has been given to him

It is mentioned in Sahih Bukhari, Sahih Muslim, Musnad of Ahmad ibn Hambal and :other books of renowned Sunni scholars that the Holy Prophet said

Kawthar is a stream of super excellence, exclusively belonging to me. Only the" righteous believers (among my followers) will be allowed to drink from it. Ali shall .distribute the water from it to them

On the day of judgement I will see some of my companions driven, like cattle, away from Kawthar. It will be announced that they are those who, after my departure from the world, deviated from the true religion and introduced innovations (based upon ".conjecture) to corrupt the faith

.From that day Ali was known and referred to by the companions as saqi al kawthar

Kawthar also means abundance of descendants. The countless descendants of the Imams of the Ah ul Bayt, in the progeny of Ali and Fatimah are

.known as sayyids. They are the descendants of the Holy Prophet

:Aqa Mahdi Puya says

This chapter guarantees abundance in every type of growth and profit to the Holy .Prophet

In gratitude of the grant of "abundance", the Holy Prophet and his Ahl ul Bayt demonstrated highest standard of devotion in prayers and in giving everything they had in the cause of Allah. The sacrifice of Imam Husayn, his grandson, has been described as dhibin azim in verse ١٠٧ of Saffat (see commentary ٣. For their salat see .commentary of Baqarah: ٣, ۴٣, ۴۵; Ta Ha: ١٣٢

In some degree or other, according to the grade of their submission, all the believing men and women receive some portion from the "abundance" given to the Holy Prophet, therefore they are commanded to pray salat regularly and sacrifice .whatever they have in the cause of Allah whenever necessary

:Aqa Mahdi Puya says

Nahr, in verse ٢, means sacrifice. It may also mean "raising of hands" in prayer .whenever Allahu akbar is said

In verse ٣ it is said that the enemies of the Holy Prophet (and his Ahl ul Bayt as explained in the commentary of Baqarah: ٢ to ۵, page ۵١) will be lost in oblivion. It is a .divine prophesy

(see commentary for verse ١)

(see commentary for verse ١)

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹